

ارائه الگوی راهبردی مقابله با تروریسم رسانه‌ای با رویکرد سرمایه اجتماعی^۱

حسین اسمعیلی^۲؛ احتشام رشیدی^۳؛ ابوالفضل دانایی^۴

تاریخ ارسال: ۱۴۰۲/۰۳/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۹

چکیده

«تروریسم رسانه‌ای» به پوشش رسانه‌ای فعالیت‌ها و اقدامات تروریستی در شبکه‌های اجتماعی اشاره دارد و گونه‌ای نوظهور از تروریسم است که با بهره‌گیری از ابزار رسانه‌ای و استفاده افراطی از فضای مجازی، به ایجاد هراس جمعی، وحشت و رعب اقدام می‌کند. یکی از موضوعات مهم در مهار و تشویق تروریسم، اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی است که در تقویت همکاری و ایجاد هنجارها در جامعه نقش دارد. هدف این پژوهش، ارائه الگوی راهبردی مقابله با تروریسم رسانه‌ای با رویکرد سرمایه اجتماعی است. روش پژوهش، آمیخته اکتشافی متوالی است. ابتدا از روش کیفی به شیوه تحلیل مضمون در میان ۱۴ نفر از خبرگان دارای سوابق علمی، پژوهشی، مدیریتی و شغلی با نمونه‌گیری هدفمند، گلوله‌برفی و ابزار مصاحبه ساختارنیافته استفاده شده است. در ادامه، از روش کمی در میان ۲۹۸ نفر از کارشناسان حوزه رسانه، سرمایه اجتماعی، تروریسم رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی سطح کشور برای آزمون فرضیه‌ها بهره گرفته شده. براساس نتایج بخش کیفی، مقوله «هویت‌یابی تاریخی و شرایط ساختاری» به عنوان زمینه‌ها و بسترها، «مزایا و کارکردهای رسانه‌ای» به عنوان شرط علی، «چالش‌های سرمایه اجتماعی ظهور تروریسم رسانه‌ای» به عنوان یکی از عوامل چالش‌ساز و «مداخلات، شبکه‌سازی منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و بین‌المللی» در انتخاب راهبرد حکمرانی رسانه‌ای در مواجهه با تروریسم رسانه‌ای نقش اثرگذاری داشته‌اند. به منظور مقابله با تروریسم رسانه‌ای، لازم است عوامل علی، زمینه‌ای، بین‌المللی و چالشی مرتبط با تروریسم رسانه‌ای مورد توجه و شناسایی قرار گیرند تا امکان مدیریت سطح خشونت با فراواقع‌سازی در رسانه، ازدیاد زمینه‌های خشونت‌زایی با پوشش رسانه‌ای و جنگ روانی و شگردهای آن در بستر رسانه وجود داشته باشد.

واژه‌های کلیدی

تروریسم رسانه‌ای، سرمایه اجتماعی، شبکه اجتماعی، الگوی راهبردی.

۱. این مقاله براساس نظر گروه دبیران و سردبیر فصلنامه، پژوهشی است.

۲. دانشجوی دکتری مدیریت رسانه، گروه مدیریت رسانه، دانشکده علوم انسانی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران. hosseinesmaili67@gmail.com

۳. استادیار مدیریت رسانه، گروه مدیریت رسانه، دانشکده علوم انسانی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران. (نویسنده مسئول). e.rashidi@semnaniau.ac.ir

۴. دانشیار مدیریت رسانه، گروه مدیریت رسانه، دانشکده علوم انسانی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران. a.danaei@semnaniau.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

با ظهور ابعاد تازه‌ای از فعالیت شبکه‌های اجتماعی، تولید و نشر اطلاعات و اخبار از جانب گروه‌های تروریستی در قالب نمایش کلیپ‌ها، عکس و تصاویر کشتار و ترور انسان‌ها باعث شده شبکه‌هایی همچون توئیتر و فیس‌بوک به عنوان محلی برای این موارد تبدیل شوند: انتشار عملیات و اقدامات تروریستی گروه‌هایی همچون داعش (نجات‌پور و همکاران، ۱۳۹۳: ۹۰)، نقش‌آفرینی فیس‌بوک در رشد جریان‌های تروریستی القاعده (Klausen, 2015)، جریان حملات سایبری و نقش آنها در ایجاد رعب و وحشت در بین افراد جامعه (Bastug et al., 2023: 30)، رپوده‌شدن هشتگ‌های مسابقات جام جهانی فوتبال مانند هشتگ برزیل ۲۰۱۴ توسط گروه موسوم به دولت اسلامی با هدف انتشار پیام، پخش فیلم کشتار ۵۰ نفر در فیس‌بوک توسط جریان تروریسم راست افراطی در نیوزیلند و پخش زنده و آنلاین رویدادهای تروریستی بروکسل در رسانه‌های اجتماعی (Kaskeleviciute et al., 2023: 2) و حملات تروریستی حرم شاهچراغ و بازتاب رسانه‌ای آن با هدف تضعیف امنیت ملی (خبرگزاری تسنیم، ۱۴۰۲).

به عبارتی، حضور بازیگران متعدد در فضای مجازی با فعالیت‌های گوناگون از نشانه‌های تحول در این حوزه است که یکی از بازیگران حوزه فضای مجازی گروه‌های تروریستی هستند که درصدد ترویج ترس و وحشت و رسانه‌ای کردن اقدامات مبتنی بر خشونت هستند (فاضلی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲-۳). از آنجایی که تروریسم و بازنمایی رسانه‌ای آن به عنوان یکی از دغدغه‌های اصلی ژئوپولیتیکی محسوب می‌شود (1: 2-Freedman & Thussu, 2011). رسانه‌های اجتماعی نیز با نفوذ در سطح جامعه، جلب حمایت، اجتماع‌سازی^۱ و مشارکت مردم به واسطه شبکه‌سازی و نیز آزادی رسانه در اشاعه هر نوع محتوا، امکانات لازم را برای افراطی‌گری در فضای اینترنت به صورت اقدامات تروریستی فراهم کرده‌است (192-Hassan, 2018: 189). به همین دلیل، تروریسم رسانه‌ای گونه‌ای نوظهور در فضای رسانه‌ای است که با چرخش شبکه‌های اجتماعی زمینه‌ت‌مرکززدایی قدرت را از طریق دست‌یابی به هویت مجازی فراهم ساخته است (فرهنگی و عباسی، ۱۳۹۷: ۱۳۰). نمونه چینی

1. #Brazil2014

2. Community building

امری در بین شورشیان جهادی^۱ در سوریه و عراق ملموس بوده است که با استفاده از آپ‌های رسانه اجتماعی همچون فیسبوک، اینستاگرام، واتس‌آپ، پالتاک^۲، کیک^۳، وایبر، جاست‌پیست ایت^۴، و تامبلر^۵، اقدام به اشتراک‌گذاری فایل‌های خود می‌کردند (2-Klausen, 2015: 1).

گروه‌های تروریستی به عنوان ابزار یا مخالف تغییر اجتماعی می‌توانند نقش اثرگذاری در آن چیزی داشته باشند که مردم ترجیح می‌دهند یا مخالف آن هستند و این منوط به نحوه ارتباط‌گیری با جامعه، برقراری روابط و دسترسی به منابع اجتماعی در میان بازیگران مختلف اجتماعی خاصه جستجوی سرمایه اجتماعی در بین مردم، نحوه مشارکت مردم، و اعتمادسازی بین آنهاست (229-Heath & Waymer, 2014: 228).

سرمایه اجتماعی نقش بسیار مهم‌تری در تبیین الگوهای فعالیت تروریستی داشته است چراکه مرتکبین خشونت سیاسی اغلب بر این باور هستند که اقدامات آنها در خدمت اهداف نوع‌دوستانه است، لذا اندازه سرمایه اجتماعی در یک جامعه می‌تواند در مهار و تشویق تروریسم مهم باشد (Helfstein, 2014: 363). ارتباط تروریسم با سرمایه اجتماعی به گونه‌ای است که پیوستن به سازمان‌های تروریستی مستلزم سطوح پایین‌تری از مشارکت در سراسر جامعه است تا فرد در دستیابی به سطحی از قصاص در قبال دولت موفق‌تر عمل کند (Shamaileh, 2017:31).

گروه‌های تروریستی با استفاده از ظرفیت‌های رسانه‌ای اقدام به برقراری ارتباط با بدنه جامعه، تقویت رابطه با گروه‌های مختلف مردم و جستجوی سرمایه اجتماعی در بین مردم از نظر مشارکت‌پذیری در اقدامات تروریستی، اقدام علیه دولت‌ها، و اعتمادسازی، برنامه‌های خود را پیش می‌برند (229-Heath & Waymer, 2014: 228) و این همان وقوع تروریسم رسانه‌ای در بستر

1. The jihadist insurgents
- 2 PalTalk
3. Kik
4. JustPaste.it
5. Tumblr

سرمایه اجتماعی است؛ یعنی در جامعه‌ای که سرمایه اجتماعی دولت پایین است فضای فعالیت چنین گروه‌هایی در آن جامعه مهیا است (Jones, 2021).

این پژوهش، تلاش دارد سرمایه اجتماعی را در ارتباط با تروریسم مورد واکاوی قرار دهد، لذا سؤال اصلی مطالعه چنین است: الگوی راهبردی مدیریت تروریسم رسانه‌ای با رویکرد سرمایه اجتماعی چگونه است؟

تروریسم رسانه‌ای و سرمایه اجتماعی

پیش‌نیاز تروریسم، توانایی آن در مرئی‌شدن و آشکار ساختن علت ظهور آن در عملیات تروریستی است؛ مهارت‌های جریان تروریسم در مناسبات رسانه‌ای و توانایی آنها در تبلیغ به عمومیت بخشی رسالت آنها در فضای رسانه‌ای برمی‌گردد. جریان القاعده در ماجرای یازده سپتامبر توانست به واسطه ایجاد سرمایه اجتماعی بین گروه‌های تروریستی، قدرت آمریکا را به چالش بکشد و این نشان از اهمیت ارتباط بین سرمایه اجتماعی و قدرت تروریسم در فضای رسانه‌ای در چالش‌زایی برای کشورها و بین جریان‌های تروریستی بوده است (232: Heath & Waymer, 2014). این وجه منفی سرمایه اجتماعی برای تروریسم رسانه‌ای است که تروریست‌ها سرمایه‌گذاری عمده‌ای در این خصوص داشته‌اند (Helfstein, 2014).

سنخ مشخصی از تروریسم، به تروریسم رسانه‌ای در شبکه‌های اجتماعی دلالت دارد که فرآیند جریان‌سازی، تأثیرگذاری و هدایت افکار عمومی از طریق تولید و انتشار محتوای افراط‌گرایانه و تروریستی در این شبکه‌ها صورت می‌گیرد. در این فضا، امکان سازمان‌دهی، ایجاد ارتباطات و هماهنگی عملیات تروریستی در هر نقطه‌ای از جهان عملی می‌شود. با عنایت به این‌که، تروریسم رسانه‌ای نیز دارای ابعاد متعددی است، برای نمونه، یکی از وجوه تروریسم رسانه‌ای در شبکه‌های اجتماعی موسوم به تروریسم فیس‌بوکی است؛ استفاده گسترده داعش از فیس‌بوک برای انجام تبلیغات، آموزش، جذب نیرو و جنگ روانی زمینه‌ساز به اشتراک‌گذاری اطلاعات تاکتیکی و عملیاتی بین نیروهای تروریستی داعش بوده است. وجه دیگر تروریسم رسانه‌ای در شبکه‌های اجتماعی به تروریسم توئیتری مربوط می‌شود که جایگاه مهمی در فرآیند اطلاع‌رسانی و فعالیت‌های رسانه‌ای داعش داشته است به گونه‌ای که توئیتر مهم‌ترین ابزار رسانه داعش از نظر

نشر افکار این گروه محسوب می‌شود (فاضلی و همکاران، ۱۳۹۶: ۸-۹). از طرفی، تروریسم رسانه‌ای در محیط شبکه‌های اجتماعی به استفاده از رسانه‌های اجتماعی و شبکه‌ای برای افزایش تأثیر اعمال خشونت‌آمیز به منظور پیشبرد اهداف اجتماعی، سیاسی و یا مذهبی و گسترش درد و رنج روانی، عاطفی و جسمی بر مخاطبان بلاواسطه انجام می‌گیرد (Smith et al., 2016: 173). رسانه‌های اجتماعی که جزء لاینفک استراتژی‌های ارتباطی گروه‌های افراطی مانند داعش و حزب التحریر تلقی می‌شوند محیط ارتباطات مدرن فرصتی را برای جلب توجه عمومی در رابطه با اهداف افراطی و نیز جلب حمایت هواداران و افزایش تأثیر اقدامات افراطی فراهم می‌سازد. طی چند سال کوتاه، داعش مهارت‌های رسانه‌ای خوبی مانند ظرفیت ارسال حدود ۹۰۰۰۰ پیام در روز را به صورت آنلاین توسعه داد. توماس هگهمر^۱، سوریه را از لحاظ اجتماعی «رسانه‌ای‌ترین درگیری در تاریخ» توصیف کرده و آن را با حجم بالایی از اسناد سمعی و بصری تولیدی از جانب شورشیان و مستندسازی آن توصیف کرده‌است چنین امری، به عنوان بخشی از یک استراتژی ارتباطی جهانی پیچیده قلمداد می‌شود (Smith et al., 2018: 2).

نظریه شناختی اجتماعی^۳ بندورا^۴ (۲۰۰۱) در رابطه با این‌که چگونه ارتباطات آنلاین می‌تواند تحت تأثیر محیط اجتماعی قرار گیرد، نکات مهمی را ارائه کرده است؛ استفاده از ارتباطات آنلاین به واسطه اطلاع‌رسانی به گروه‌ها کمک می‌کند و باعث خلق عوامل انگیزشی می‌شود. مطابق با این رویکرد، در چارچوب انگیزه و رفتار داعش، این گروه در بهره‌برداری از محیط آنلاین فعال بوده و از رویدادهای جهانی مانند بحران‌های عراق برای تدوین ایده‌ها استفاده می‌کردند. مطابق با نظریه شناختی اجتماعی، نحوه عملکرد اعضای گروه‌ها به عنوان تولیدکننده در یک محیط اجتماعی آنلاین مشخص می‌شود. استفاده از عوامل عاطفی نمادهایی هستند که نشان می‌دهد چگونه داعش و سایر گروه‌های منجر آنلاین می‌توانند گروه‌های آنلاین را متحول و تقویت کنند و قدرت محیط را برای ایجاد مدل‌های

1. Da'esh and Hizb ut-Tahrir
2. Thomas Hegghammer (مدیر تحقیقات تروریسم در مؤسسه تحقیقات دفاعی نروژ)
3. The Social cognitive theory
4. Bandura

شناختی به چالش بکشند. در راستای همین تفکر بندورا، میروویتزا (۱۹۸۶) معتقد است رسانه‌های الکترونیکی به گونه‌ای عمل می‌کنند که باعث تغییر نحوه تعامل ما با یکدیگر در طول زمان می‌شوند از همین‌رو است که اینترنت بر رفتار اجتماعی تأثیر می‌گذارد؛ به عبارتی، این رفتارهای آنلاین توسط مراحل مختلف اجتماعی‌شدن آنلاین تعیین می‌شود گروه‌هایی مانند داعش با بهره‌گیری از همین بحران‌های هویتی به مثابه ابزاری در جهت ایجاد حمایت به ایفای نقش می‌پردازند لذا رسانه‌های الکترونیکی به طور فزاینده‌ای به موقعیت‌هایی تجاوز و تعرض می‌کنند که در محیط‌های تعریف‌شده فیزیکی اتفاق می‌افتند (Awan, 2017: 141).

مک‌کنا و بارگ^۱ (۱۹۹۸) معتقدند بین فضای مجازی و تروریسم ربط وثیقی وجود دارد؛ به زعم آنها، روابط تنگاتنگی بین شبکه‌های اجتماعی و نحوه استمرار تروریسم وجود دارد چراکه تروریست‌ها با استفاده آسان از اینترنت نسبت به اهداف تروریستی خود اقدام می‌ورزند و به نوعی پناهگاه امن برای جریان‌ات افراطی قلمداد می‌شود. به نظر تسفاتی و وایمن^۲ (۲۰۰۲) گروه‌های تروریستی با استفاده از اینترنت به توجیه خشونت و جنایات خود علیه غیرنظامیان می‌پردازند و گروه‌های تروریستی با داشتن دانش بالا در حوزه فناوری، زمان بیش‌تری را صرف بهره‌گیری از فضای مجازی می‌کنند. کلاوسن^۳ (۲۰۱۵) استدلال کرده است که فضای رسانه اجتماعی مورد استفاده داعش و دیگر گروه‌های تروریستی به مثابه یک تاکتیک جنگ سایبری جهانی در کشورهای نظیر سوریه عمل می‌کند. در بررسی کلاوسن، توئیت‌های داعش ابزاری در جهت ایجاد توهم مبتنی بر قدرت‌گیری داعش در قیاس با قدرت مرکزی عمل می‌کرد (نقل از Awan, 2017: 140).

از همین‌رو، یکی از تحولات رفتاری در فضای شبکه‌های اجتماعی، به رابطه تروریسم رسانه‌ای با سرمایه اجتماعی برمی‌گردد. در دیدگاه وبر، تشکیل جامعه و تداوم آن، منوط به وجود دو عامل کنش اجتماعی و روابط اجتماعی است و

1. Meyrowitz
2. McKenna & Bargh
3. Tsftati & Weimann
4. Klausen

به‌ویژه روابط اجتماعی که محصول کنش اجتماعی معنادار است، موجب ایجاد و تداوم دوستی، وفاداری، و میهن‌پرستی می‌شود (نقل از غفاری، ۱۳۹۰: ۷۲-۷۳). «بورديو» سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از منابع بالفعل و بالقوه‌ای تعریف می‌کند که حاصل تملک شبکه پایداری^۲ از روابط کم‌وبیش نهادینه^۳ به واسطه آشنایی‌ها و شناخت متقابل می‌باشد؛ به زعم وی، شبکه‌های اجتماعی به خودی خود و به شکل طبیعی وجود ندارند بلکه باید از طریق روابط گروهی نهادینه خلق شوند، در این تعریف دو عنصر عمده مشهود است: (۱) روابط اجتماعی این امکان را برای افراد به وجود می‌آورند تا یکدیگر را از نظر منابعی که در اختیار دارند، مورد ارزیابی قرار دهند و (۲) میزان و کیفیت این منابع را مشخص کنند (3: 4-Ports, 1998).

بورديو^۴ (۱۹۹۷) معتقد است ایجاد و اثربخشی سرمایه اجتماعی بستگی به عضویت در یک گروه اجتماعی دارد که اعضای آن، مرزهای گروه را از طریق مبادله اشیاء و نهادها بنیان نهاده‌اند. این روابط ممکن است از طریق کاربرد یک نام مشترک (خانواده، ملت انجمن، حزب) و مجموعه‌ای کامل از کنش‌ها برای نهادینه کردن، نظیر مبادلات مادی و نمادی تضمین شود. از نظر بورديو مقدار سرمایه اجتماعی در تملک هر عامل اجتماعی به هر دو امر وابسته است: اول. اندازه شبکه ارتباطاتی که عامل اجتماعی به خوبی بتواند آنها را بسیج کند و دوم. مقدار سرمایه (اقتصادی، فرهنگی، نمادی) هریک از کسانی که عامل اجتماعی با آنها در ارتباط است.

در نوشتار حاضر، ارتباط بین تروریسم رسانه‌ای و سرمایه اجتماعی در ربط با موضوع نظریه میدان^۵ (جایی است که رقابت برای منابع و انواع سرمایه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و نمادین صورت می‌گیرد تا روابط بین بازیگران متناسب با این سرمایه‌ها و هبیتاس مرتبط با آن هدایت و برانگیخته شود) و هبیتاس^۶ بورديو نیز قابل پیگیری است؛ ایلن^۷ (۲۰۰۷: ۲۶۹) با بهره‌گیری از نظرگاه بورديو،

1. Bourdieu
2. Durable Network
3. Institutionalized
4. Bourdieu
5. Field
6. Habitus
7. Ihlen

معتقد است که تروریسم و جریان‌های تروریستی همواره تلاش دارند تا سرمایه اجتماعی را بین آحاد جامعه کسب کنند؛ به این مفهوم که، تروریست‌ها در حال مبارزه و رقابت در جهت تصاحب منابع (سرمایه) مادی و نمادین در میدان‌های مختلف هستند و عادت‌واره (هیتاس) تروریسم به مثابه چارچوب‌های ذهنی است که اعمال تروریستی در آن رخ می‌دهد و آن چیزی را که افراد مقبول می‌پندارند تعریف و محدود می‌کند مطابق با چنین رویکردی، تروریسم، به‌عنوان ابزار تغییر اجتماعی (یا مخالف تغییر)، می‌تواند عادت‌ها را تغییر دهد تا آن‌چه را مردم ترجیح می‌دهند و یا مخالف آن هستند، از جمله نظرات درباره خود عوامل تغییر را دگرگون کند.

وجه مثبت سرمایه اجتماعی در فضاهای اجتماعی بین عموم مردم در مواجهه با تروریسم و مقابله با آن، در ماجرای تیراندازی خیابان شارلی ابدو فرانسه و افزایش ۹ برابری تحرکات تروریستی تبیین‌پذیر است؛ تأثیرات حملات تروریستی در وضعیت اقتصادی جامعه و هزینه‌های ناشی از آن برای جامعه باعث شده است پیوندهای بین شهروندان تقویت شده و روابط اجتماعی و اعتمادسازی در جهت مقابله با تروریسم افزایش یابد زیرا تروریسم باعث اختلال در نظم و تضعیف امنیت عمومی می‌شود و مردم نیز در مواجهه با تهدیدات جریان‌های تروریستی، متمایل به نهادهای سیاسی پیدا می‌کنند تا با اعتماد به حاکمیت، وحدت ملی را حفظ کنند (4-McCoy et al., 2020: 3).

هلفشتاین^۲ (۲۰۱۴) با تمرکز روی پویایی‌های (دینامیک‌های) اجتماعی^۳، به ارتباط بین متغیرهای اجتماعی خاصه سرمایه اجتماعی با تروریسم اشاره کرده و معتقد است ذخایر بالای سرمایه اجتماعی با تعداد گروه‌های تروریستی می‌تواند ارتباط داشته باشد؛ وی با دو استدلال اهمیت دینامیک‌های اجتماعی را در ظهور و بروز فعالیت‌های تروریستی پیگیری می‌کند: (۱) سرمایه اجتماعی به‌عنوان مهارکننده^۴،

1. Charlie Hebdo

2. Scott Helfstein

3. Social dynamics

4 Social Capital as Restraint

مانع فعالیت تروریستی می‌شود و ۲) سرمایه اجتماعی به مثابه کاتالیزور، فعالیت تروریستی را تشویق می‌کند. هلفشتاین معتقد است سرمایه اجتماعی به عنوان یک کالای عمومی شناخته شده، به واسطه تقویت اعتماد و همکاری در جامعه عمل می‌کند و باعث ارتقای رفتارهایی همچون معامله‌های اقتصادی، حکمرانی خوب و سلامت عمومی می‌شود. از طرفی، سرمایه اجتماعی که در خلق و حفظ هنجارهای رفتاری، اصول یا استانداردهای مشروع با مطلوب جامعه نقش اثرگذاری دارد باعث کاهش جذابیت و مشروعیت فعالیت‌های تروریستی می‌شود چراکه مرتکبین، هزینه‌های چشم‌گین کردن یک جامعه یکپارچه را می‌سنجند. به تعبیری، سرمایه اجتماعی به مثابه کاتالیزور می‌تواند با ترویج تروریسم یا حداقل تسهیل در سازماندهی موجودیت تروریست‌ها به عنوان یک آسیب عمومی عمل کند. دلیلی که سرمایه اجتماعی می‌تواند فعالیت تروریستی را تقویت کند، در گرایش به همدلی درون‌گروهی و فعالیت‌های محلی است. شواهد حکمرانی جامعه نشان می‌دهد غالباً پویایی‌های درون‌گروهی و برون‌گروهی^۲ ناکارآمدی اقتصادی و فعالیتی را ایجاد می‌کنند که با هنجارهای جمعی سازگار نیست. این نیرو می‌تواند مزایای متصور در برنوداد جایگزین برای اعتراض را تضعیف کند و اگر کسی با یک جامعه پیوندهای اجتماعی قوی داشته باشد، سازماندهی و توجیه اعمال خشونت‌آمیز از طرف او می‌تواند آسان‌تر تلقی شود (367: Helfstein, 2014).

پیشینه تحقیق

اشمید^۳ (۲۰۰۵) تروریسم را شیوه اقدامات تکراری می‌داند که به منظور ایجاد دلهره، رعب و وحشت است. تروریسم با درک اهمیت فضای مجازی، از ماهیت سنتی خود فراتر رفته و گونه جدیدی از تروریسم را در قالب تروریسم پسامدرن (عراقچی و همکاران، ۱۳۹۷)، تروریسم رسانه‌ای (فرهنگی و عباسی، ۱۳۹۷)، سایبرتروریسم^۴ (Awan, 2017)، تروریسم رسانه‌ای در شبکه‌های اجتماعی، تروریسم

1. Social Capital as Catalyst
2. In-group and out-group dynamics
3. Schmid
4. Cyber-terrorism

فیس‌بوکی و توئیتری (فاضلی و همکاران، ۱۳۹۶) و تروریسم برخطا (Schimid, 2005) را شکل داده است.

سنخ مشخصی از تروریسم رسانه‌ای، به تروریسم رسانه‌ای در شبکه‌های اجتماعی دلالت دارد که فرآیند جریان‌سازی، تأثیرگذاری، و هدایت افکار عمومی از طریق تولید و انتشار محتوای افراط‌گرایانه و تروریستی در این شبکه‌ها است (فاضلی و همکاران، ۱۳۹۶: ۸-۹).

آستین ترک^۲ (۲۰۰۴) کانون اصلی تروریسم را در ۱) ساختار بندی اجتماعی تروریسم، ۲) تروریسم به مثابه خشونت سیاسی، ۳) جامعه‌پذیری تروریسم، ۴) کنترل اجتماعی تروریسم و ۵) تئوریزه‌کردن تروریسم می‌داند وی (۱۹۸۲) با تبیین دینامیک‌های ارتباطی و تروریسم نشان داد روابط کارکردی^۳ (روابط اقتصادی، قانونی و دیگر اشکال رابطه‌ای دلالت دارد که ممکن است افراد با هم‌دیگر تماس مستقیمی نداشته باشند) و تعاملی^۴ (طی تماس رودرو با هم شکل می‌گیرند نظیر آنچه در سازمان سیاسی شامل درگیری‌ها، ائتلاف‌ها، مذاکره و همکاری وجود دارد) در نسبت با نگاه فرآیند نظام‌مند شکل‌گیری تروریسم در بستر نابرابری در جامعه است به عبارتی، دینامیک‌های اجتماعی گروه‌ها را به تطابق با تروریسم تشویق می‌کنند، عمدتاً بین ساختارهای اقتدارگرا و درون آن ظاهر می‌شوند و بیش‌تر در ساختارهای توتالیتر و نیز در جوامع دمکراتیک نیز اقدامات تروریستی وجود دارد. پیزینسکی^۵ و همکاران (۲۰۰۳) معتقدند جهان‌بینی فرهنگی مشترک باعث ایجاد جانبداری بی‌رویه درون‌گروهی و حقیرشمردن/تحقیر برون‌گروهی^۶ می‌شود.

وندرز و همکاران (۲۰۲۱) معتقدند اعتماد به عنوان وضعیتی روانشناختی متشکل از قصد پذیرش آسیب‌پذیری مطابق انتظارات مثبت از نیت یا رفتار دیگری است؛ در این تعریف اعتماد دارای دو بُعد است: محاسباتی و رابطه‌ای. اعتماد محاسباتی

1. Online Terrorism
2. Austin Turk
3. Functional
4. Interactive
5. Pyszczynski
6. in-group favoritism and out-group derogation

مبتنی بر ارزیابی عملکرد گذشته است و بر استنباط‌های متوالی در مورد آینده متکی است این بُعد از اعتماد نشان می‌دهد که براساس تجربه یا شواهد (مثلاً عملکرد گذشته)، برخی رویدادهای آینده مطابق انتظار اتفاق خواهند افتاد در مقابل، اعتماد رابطه‌ای به معنای «کاهش پیچیدگی از طریق پذیرش ریسک» بدون توجه به عواقب آن است. این اعتماد چندان به اقدامات مورد انتظار آینده متکی نیست، بلکه «بر قضاوت شباهت نیات یا ارزش‌ها» متکی است. (1279-Van Der Does et al., 2021: 1278).

جدول ۱: خلاصه پیشینه و بدنه پژوهش

محقق / محققان	موضوع	یافته‌ها
حسینا (۲۰۱۸)	رسانه اجتماعی و تروریسم: تهدیدات و چالش‌های عصر مدرن	سازوکار استفاده از شبکه‌های اجتماعی
بوپله و موور (۲۰۱۸)	چارچوب‌گذاری ترور: تحلیل محتوای چارچوب‌های رسانه‌ای مورد استفاده در پوشش داعش	وجود تفاوت معنادار در نوشتارهای پوشش رسانه‌ای تایمز، میل و الحیات
سیمتی و زیونار (۲۰۱۸)	داعش ورای نمایش: رسانه‌های ارتباطی، شبکه‌های علنی و تروریسم	گفتمان حاکم در فعالیت‌های تروریستی، ایجاد رعب و وحشت، و القای جریان هویتی
اسمیت و همکاران (۲۰۱۸)	دستکاری ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی و مذهبی در تروریسم رسانه‌ای اجتماعی	بهره‌برداری از ارزش‌های فرهنگی و مذهبی برای ارتقای تروریسم اجتماعی
آوان (۲۰۱۷)	افراط‌گرایی سایبری: داعش و قدرت رسانه‌های اجتماعی	تشدید انزجار و تنفر، انتشار پیام‌های ویدئویی و ارسال پیام‌های تهدیدآور، راهبرد برخط‌بودن
علی‌اکبری (۱۳۹۹)	شبکه اجتماعی و تروریسم رایانه‌ای: مطالعه موردی داعش	جذب و سازماندهی، هماهنگی و آموزش نیروها، بسیج اجتماعی، کنترل، تبلیغات و اطلاع‌رسانی، بازاریابی محتوایی، برندسازی و تأثیر بر اذهان در جذب جوانان
مرادی‌فر و امید (۱۳۹۷)	تحلیل عملکرد داعش در به‌کارگیری سه نسل وب	بهره‌گیری داعش از نسل وب؛ تمرکز روی مدیریت و نهادینه‌سازی فضای وب، و آموزش رسانه‌ای

1. Hossain
2. Boyle & Mower
3. Semati & Szpunar

یافته‌ها	موضوع	محقق / محققان
چالش‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی-دیجیتالی‌شدن، و شبکه‌ای شدن رسانه و اطلاع‌رسانی، کارکردهای فرهنگی و اجتماعی، سیاسی و اداری با راهبرد تولید محتوا-سیاست‌گذاری-دروازه‌بانی اطلاعات	طراحی مدل مقابله با چالش‌های تروریسم رسانه‌ای داعش در توئیتر و فیس‌بوک	فرهنگی و عباسی (۱۳۹۷)
جلب توجه، کسب مشروعیت، مقبولیت، هویت‌سازی، اعلام موجودیت، و کسب قدرت، داشتن مخاطبان جهانی، دسترسی آسان، قدرت شبکه	مزیت‌ها و کارکردهای شبکه‌های اجتماعی برای گروه‌های تروریستی	فاضلی، سلطانی‌فر و عباسی (۱۳۹۶)
ساماندهی حامیان، تبلیغات دینی، کسب مشروعیت، کمپین تبلیغاتی و آموزش نیروها، اعتمادسازی بین رسانه و نیروهای امنیتی، آموزش و بالابردن سواد رسانه‌ای	تبیین چالش‌های ناشی از تروریسم رسانه‌ای در شبکه‌های اجتماعی و ارائه مدل مناسب	عباسی (۱۳۹۶)

با واکاوی پیشینه و ادبیات موضوع مقابله با تروریسم رسانه‌ای با رویکرد سرمایه اجتماعی و پس از تبیین و بررسی بدنه دانش، اولین موضوعی که در مطالعات پیشین به خوبی مشخص شده است، خلاء ارائه الگوی راهبردی مقابله با تروریسم رسانه‌ای با رویکرد سرمایه اجتماعی است. پژوهش‌های انجام شده طی سال‌های اخیر نشان داده‌اند تلاش‌های زیادی در راستای ایجاد وفاق و فهم مشترک برای ارائه الگوی جامع برای مقابله با تروریسم رسانه‌ای صورت نگرفته است. لذا این پژوهش با ارائه الگوی جامع مقابله با تروریسم رسانه‌ای با رویکرد سرمایه اجتماعی سعی دارد این ضعف را پوشش دهد. هم‌چنین موضوع بعدی مورد بررسی این است که تحقیقات صورت‌گرفته درخصوص تروریسم رسانه‌ای تا به امروز اغلب رویکرد کمی یا کیفی داشته و به صورت عمیق این عوامل را در عرصه‌های مختلف با دو رویکرد کیفی-کمی مورد بررسی و پژوهش قرار نداده‌اند. این عوامل در طی سال‌های پیشین توسط محققان مختلفی از منظرهای گوناگون مورد بررسی قرار گرفته و صاحب‌نظران مختلف هر کدام از زوایای خاصی به این موضوع نگریسته و برداشت خاص خود را از تروریسم رسانه‌ای ارائه کرده‌اند که در مروری اجمالی بر تروریسم رسانه‌ای مشخص شد که الگوی راهبردی منظمی درخصوص مقابله با تروریسم ارائه نشده است.

روش تحقیق

این پژوهش به لحاظ رویکردی، آمیخته اکتشافی متوالی است؛ در چنین طرحی، ابتدا گردآوری داده‌های کیفی انجام می‌گیرد پس از آن، پژوهش‌گر می‌تواند از طریق گردآوری داده‌های کمی، فرضیه‌ها را مورد آزمون قرار دهد (596-Creswell & Clark, 2017: 595). بخش کیفی پژوهش با تحلیل مضمون طی فرآیند سه مرحله‌ای کینگ و هاروکز (۲۰۱۰) شامل کدگذاری توصیفی-تفسیری-فرآگیر در نرم‌افزار مکس کیودا انجام گرفته است. بخش کمی مطالعه نیز با آزمون فرضیه‌ها و مدل در نرم‌افزار آموس انجام شده است.

در این پژوهش، برای گردآوری اطلاعات در بخش کیفی از مصاحبه ساختارنیافته و در بخش کمی از روش پیمایشی و ابزار پرسشنامه با طیف لیکرت استفاده شده است. جامعه آماری بخش کیفی متشکل از نخبگان، خبرگان، و متخصصانی بوده است که در رابطه با موضوع پژوهش و اهداف آن دارای سوابق علمی، پژوهشی، مدیریتی و شغلی هستند که در مرحله اول پژوهش (کیفی)، با استفاده از شیوه نمونه‌گیری غیراحتمالی، مشارکت‌کنندگان ابتدا به روش نمونه‌گیری هدفمند و به شیوه گلوله‌برفی و مطابق با متغیرهای زمینه‌ای تحصیلات، سن، سابقه آموزشی و پژوهشی و سطح علمی به تعداد ۱۴ نفر انتخاب و وارد مطالعه شدند.

جدول ۲: ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در پژوهش

نام مستعار	جنسیت	تحصیلات	سن	پست سازمانی	تخصص
م-م	مرد	دکتری	۵۲	مدیر رسانه‌ای	ارتباطات
ف-م	زن	کارشناسی ارشد	۳۳	کارمند مرکز صداوسیما	مدیریت رسانه
ن-ف	مرد	دکتری	۵۶	عضو هیئت علمی	انسان‌شناسی
ع-ا-ف	مرد	دکتری	۸۲	عضو هیئت علمی	مدیریت
ح-ع	مرد	دکتری	۶۷	مدرس دانشگاه	مدیریت رسانه
د-ح-ن	مرد	دکتری	۴۳	مدرس دانشگاه	جامعه‌شناسی
ص-ظ	مرد	دکتری	۵۷	عضو هیئت علمی	علوم سیاسی

1. Sequential exploratory method
2. King & Horrocks

نام مستعار	جنسیت	تحصیلات	سن	پست سازمانی	تخصص
م - غ	مرد	دکتری	۵۲	مدیر رسانه‌ای	مدیریت رسانه
م - ب - س	مرد	دکتری	۴۳	مدیر رسانه‌ای	رسانه
م - ح - ام	مرد	دکتری	۵۴	عضو هیئت علمی	علوم سیاسی
ع - ا - ک	مرد	دکتری	۵۸	عضو هیئت علمی	ارتباطات
ر - س	مرد	دکتری	۴۹	مدیر رسانه‌ای	مدیریت رسانه
د - ی	مرد	دکتری	۵۲	عضو هیئت علمی	روابط بین‌الملل
ی - ق - ح	مرد	دکتری	۴۱	عضو هیئت علمی	تاریخ اسلام

جامعه آماری در مرحله دوم پژوهش (کمی) شامل کارشناسان حوزه رسانه، سرمایه اجتماعی، تروریسم رسانه‌ای، شبکه‌های اجتماعی و افراد مرتبط با موضوع در شبکه نخبگانی، دانشگاهی و اداری کشور در سال ۱۴۰۰-۱۴۰۱ بوده است که به صورت جامعه آماری نامحدود شناخته می‌شود. شیوه نمونه‌گیری، به دلیل نامشخص بودن آمار جامعه آماری مورد مطالعه در قالب جامعه آماری نامعلوم، از شیوه نمونه‌گیری در دسترس استفاده شده است. به منظور تعیین حجم نمونه از فرمول رابطه (الف) بهره گرفته شده است:

رابطه (الف)

$n =$ حجم جمعیت نمونه، $=$ ضریب اطمینان 95% یا با آلفای 0.05 و مطابق با آن، $z = 1/96$ ، برابر با 0.25 و $=$ واریانس پیش‌آزمون متغیر وابسته (حکمرانی رسانه‌ای مواجهه با تروریسم) برابر $4/85$ است. بنابراین نمونه‌های مرتبط با مرحله مطالعه کمی به تعداد ۲۹۸ نفر برای تکمیل پرسشنامه‌ها مشخص شده است.

به منظور ارزیابی روایی کیفی از طریق برقراری ارتباط مصاحبه‌گر با مصاحبه‌شوندگان برای حصول اطمینان از اعتمادپذیری (دقیق بودن یافته‌ها از منظر پژوهش‌گر و مشارکت‌کنندگان پژوهش)، نظارت توسط مصاحبه‌شوندگان انجام گرفت. به همین منظور، برای ارزیابی تطابق پاسخ‌ها یا مفاهیم موجود در ذهن مصاحبه‌شوندگان با مفاهیم مدنظر محقق، طی پرسشنامه اعتباریابی، نتایج نشان داد $84/7\%$ درصد توافق درخصوص مفاهیم و مقولات استخراجی در این مطالعه بین پژوهش‌گر و پاسخ‌گویان وجود دارد. همچنین به منظور ارتقای سطح کیفیت پژوهش در مرحله کیفی از (۱) مثلث‌بندی منابع داده‌ها متشکل از نمونه‌های

ارائه الگوی راهبردی مقابله با تروریسم رسانه‌ای با رویکرد سرمایه اجتماعی

سازمانی، دانشگاهی و خبرگان در جهت غنابخشی به داده‌ها و ۲) مثلث‌بندی روش گردآوری داده‌ها شامل مطالعات کتابخانه‌ای، مصاحبه و پرسشنامه در امتداد هم استفاده شد. نتایج ارزیابی آلفای کرونباخ برای متغیرهای تحقیق در بخش مطالعه کمی نیز ضرایب بالای ۸۰ درصد را نشان داده است که مورد قبول است.

جدول ۳: پایایی سؤالات مربوط به پرسشنامه

متغیر	تعداد سوال	آلفای کرونباخ
مزایا و کارکردهای رسانه‌ای	۹	۰/۸۹
هویت‌یابی تاریخی و شرایط ساختاری	۳	۰/۸۴
چالش‌های سرمایه اجتماعی	۱۴	۰/۹۵
مداخلات بین‌المللی و شبکه‌سازی جهانی آن	۴	۰/۹۲
حکمرانی رسانه‌ای	۵	۰/۹۳
شبکه‌سازی نهادی خشونت	۸	۰/۹۶
کل پرسشنامه	۴۳	۰/۹۸

یافته‌های تحقیق

نتایج تحلیل مضمون بخش مطالعه کیفی با ۹۶۰ کد استخراجی، ۴۶۵ مضمون پایه، ۵۱ مضمون سازمان‌دهنده و ۶ مضمون فراگیر مربوط به تروریسم رسانه‌ای شناسایی گردید. به منظور حذف مضامین غیرمرتبط با مدل اکتشافی، از آزمون تی تک نمونه‌ای با نقطه برش ۳ استفاده شد و نتایج آزمون نظرات خبرگان نشان داد که میانگین کلیه مضامین پایه در سطح معناداری کمتر از ۵ درصد، بالای عدد ۳ بوده است لذا مضامین استخراجی مذکور مرتبط با مدل اکتشافی بوده است. در مرحله کدگذاری فراگیر، مضامین سازمان‌دهنده در هم ادغام و سرانجام مضامین فراگیر در ۶ مضمون شناسایی شدند که در ۶ مقوله اصلی مزایا و کارکردها، چالش‌ها، زمینه‌ها و بسترها، راهبردها، مداخله‌گرها و پیامدها قرار گرفتند.

۱- در توصیف آنچه با عنوان «هویت‌یابی تاریخی و شرایط ساختاری» به عنوان مقوله اصلی زمینه‌ها و بسترها در مدل اکتشافی تروریسم رسانه‌ای نام‌گذاری

شده است مشارکت‌کنندگان پژوهش آن را محصول تاریخ تروریسم در بستر رسانه، هویت‌یابی تروریسم در بستر رسانه و مشروعیت‌یابی آن و شروط کلان و ساختاری ظهور تروریسم معرفی کرده‌اند.

تاریخ تروریسم در بستر رسانه به عنوان یکی از زیرمؤلفه‌های «هویت‌یابی تاریخی و شرایط ساختاری» نامگذاری شده است که در آن، تاریخ بهره‌گیری از رسانه در جهت اهداف تروریستی، تاریخ‌نگاری رفتارهای تروریستی در بستر رسانه، محو شدن غرور، ملیت، تاریخ و آرمان‌های یک ملت در رسانه، همزادپنداری با شخصیت‌های تاریخی، سناریوهای تاریخی و ریشه‌های آن و غیره از جمله کدهای توصیفی و تفسیری همین کد فراگیر آمده است. یکی از زیرمؤلفه‌های مقوله اصلی «هویت‌یابی تاریخی و شرایط ساختاری» به صورت هویت‌یابی تروریسم در بستر رسانه و مشروعیت‌یابی آن نامگذاری شده است؛ این سنخ از هویت‌یابی در راستای بحران‌های هویتی و ظرفیت‌های ضعیف جامعه در جذب این گروه از جامعه به وجود می‌آید تا ابراز وجود خود را با ابزار مناسب راه‌اندازی جنگ روانی و القای شوک و ترس از طریق پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی انجام دهند. شروط کلان و ساختاری ظهور تروریسم با کدهای توصیفی و تفسیری وجود زمینه‌ها و مشکلات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، قومیتی، انسانشناختی و دینی، دلایل مرتبط با عوامل خارجی و مشکلات داخلی و بحران‌های سیاسی-اقتصادی از دیگر مؤلفه‌های هویت‌یابی تاریخی و شرایط ساختاری نامگذاری شده است.

استادیار دانشگاه معتقد است: «... بحران‌های هویتی یکی از زمینه‌های شکل‌دهی به بحث تروریسم و تحقق آن در سطح بین‌المللی، منطقه‌ای و کشور و قلمرو سرزمینی است... همزادپنداری با شخصیت‌های تاریخی، از بین رفتن غرور و ملیت و تاریخ مردم از دیگر دلایلی است که زمینه‌های مهمی در شکل‌گیری تروریسم محسوب می‌شوند...».

استاد تمام دانشگاه می‌گوید: «نحوه هویت‌یابی افراد در جامعه باعث می‌شود تا متناسب با کیفیت و کمیت آن، رفتارهای آنها به شکلی در سطح جامعه نمایان شود... یکی از پرونده‌های چنین هویتی ناشی از تاریخ زیست آنها به صورت احساس بی‌عدالتی در مورد خودشان است...».

مدرس دانشگاه و یکی از مدیران رسانه‌ای معتقد است: «... افراد به حاشیه‌رانده شده یا به تعبیری انسان حاشیه‌نشین در جامعه با هویت‌یابی جدید از خویشستن، تعریفی از وضعیت خود را در قبال دیگران انجام می‌دهد...».

۲- مزایا و کارکردهای رسانه‌ای برای تروریسم محصول نقش‌ها و کارکردهای رسانه‌ای، گفتمان‌سازی، اقناع‌سازی، جذب و عضوگیری، قدرت‌نمایی با رسانه، اقدامات هوشمندانه، دسترس‌پذیری، گمنامی و ناشناختگی، تولید و بازنشر رویکردهای تروریستی، و تولید محتوای رسانه‌ای معرفی شده‌اند.

نقش‌ها و کارکردهای رسانه‌ای شبکه‌های اجتماعی در خدمت تروریسم به عنوان یکی از زیرمؤلفه‌های مزایا و کارکردهای رسانه‌ای نامگذاری شده است که در آن مصاحبه‌شوندگان روی نحوه استفاده از کارکردهای رسانه‌ای از سوی گروه‌های تروریستی به‌ویژه داعش، امکانات کارکردی شبکه‌های اجتماعی به ویژه توئیتر و فیسبوک در انتقال پیام به گروه مخاطبان هدف، بهره‌گیری از نقش‌ها و کارکردهای رسانه جمعی برای پیشبرد اهداف تروریستی، استفاده از رسانه‌های شبکه‌ای و اجتماعی، نقش شبکه‌های اجتماعی به عنوان ابزار مناسب و سریع انتقال‌دهنده اطلاعات، دارا بودن نقش‌هایی مانند سازماندهی، نظارت، کنترل، برنامه‌ریزی، رهبری، هدایت در شبکه‌های اجتماعی، نقش رسانه‌های دیجیتال و به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی در نزد کنشگران اجتماعی از محورهای موضوعی بودند که در قالب کدهای توصیفی و تفسیری از جانب مشارکت‌کنندگان پژوهش مطرح شدند. گفتمان‌سازی تروریسم داعشی در رسانه و نقش آن دیگر زیرمؤلفه مرتبط با موضوع مزایای رسانه‌ای شبکه‌های اجتماعی در خدمت تروریسم است که بازآرایی زبانی داعش در قالب تروریسم رسانه‌ای و گفتمان‌سازی اهداف خود در فضای بین‌المللی و ظهور گفتمان‌سازی رسانه‌ای در مبارزه با تروریسم و جریان‌ات تروریستی داعش در بستر رسانه، زمینه ظهور گفتمان‌های با هویت مقاومت و گفتمان‌های ضد قدرت در شبکه‌ها و اهمیت برجسته نقش‌های گفتمانی رسانه‌ای را فراهم ساخت. اقناع‌سازی رسانه‌ای تروریسم درخصوص افکار عمومی و انتظام‌بخشی به آن دیگر زیرمؤلفه شناسایی شده است که نقش رسانه‌ها در شکل‌گیری آگاهی اجتماعی، ایجاد ذهنیت خبری در افکار عمومی و عینیت‌بخشی به موضوع تروریسم در فضای رسانه‌ای، تقویت آگاهی عمومی، تبادل اطلاعات، مدیریت افکار عمومی، مهندسی

افکار عمومی، اقناع افکار عمومی در رسانه، اقناع‌سازی در فضای رسانه‌ای برای انتقال پیام، اثرگذاری روی افکار و اذهان عمومی، اقناع افکار عمومی در خصوص رفتارهای خشن و رعب‌آمیز، همراه‌کردن افکار عمومی با اهداف خود از سوی تروریسم، تسلط بر افکار و ذهن، تنظیم افکار عمومی، هدایت افکار عمومی و همراهی آنها، همراه‌کردن افکار عمومی داخلی، انتقال افکار داعشی و تروریستی به جامعه از دیگر محورهای موضوعی مرتبط با موضوع اقناع‌سازی رسانه‌ای از جانب جریان تروریسم در بستر رسانه بوده است. جذب و عضوگیری در بستر رسانه به عنوان دیگر زیرمؤلفه شناسایی شده روی نحوه جذب‌کردن عموم مردم به واسطه جنبه نمایشی و تماشایی تروریسم، جذب مخاطبین، جذب نیرو و عضوگیری از کارکردهای رسانه در دسترس جریان تروریسم متمرکز بوده است که مصاحبه‌شوندگان روی آن متمرکز شده‌اند. «قدرت‌نمایی با رسانه» به عنوان یکی دیگر از زیرمؤلفه‌های شناسایی شده در قالب رسانه‌ای کردن عملیات تروریستی فراتر از خود عملیات، تثبیت قدرت خود به واسطه قدرت رسانه و «اقدامات هوشمندانه در بستر رسانه» به عنوان یکی دیگر از زیرمؤلفه‌های شناسایی شده در قالب هوشمندانه کردن قدرت اثرگذاری تروریسم در بستر رسانه، بهره‌گیری از ظرفیت هوشمند عمل‌کردن شبکه‌های اجتماعی و زیرساخت‌های آن به همراه نقش هوشمندانه و کارکردی رسانه‌ای شبکه‌های اجتماعی متناسب با اهداف جریان‌ات تروریستی به‌ویژه داعش، «عملکرد رسانه‌های اجتماعی توئیتر و فیس‌بوک» دیگر زیرمؤلفه شناسایی شده به کدهای میزان موفقیت رسانه‌های اجتماعی همچون توئیتر و فیس‌بوک در گسترش اطلاعات تاکتیکی و عملیاتی، فضای قابل دسترس شبکه‌های اجتماعی توئیتر و فیس‌بوک، «تولید محتوای رسانه‌ای» به عنوان یکی از زیرمؤلفه‌های مزایا و کارکردهای رسانه‌ای با کدهای شناسایی تولید محتوای مناسب، تولید محتوای فاخر، تولید محتواهای مناسب، مدیریت محتوا، تولید و انتشار محتواهای نامحدود و با هزینه کم، «تولید و بازنشر رویکردهای تروریستی در بستر رسانه» یکی دیگر از زیرمؤلفه‌های شناسایی شده با کدهای توصیفی انتشار دیدگاه‌های تروریستی به واسطه اتاق گفتگو، گروه‌های الکترونیکی، انجمن‌ها، شبکه‌های اجتماعی، حضور در پلتفرم‌های یوتیوب، توئیتر، «فضای شبکه اجتماعی در خدمت فعالیت تروریستی داعش» از دیگر زیرمؤلفه‌های مورد شناسایی به محورهای داعش مهم‌ترین گروه

تروریستی استفاده کننده از رسانه به عنوان ابزار تروریستی، رفتار داعشی در رسانه، عملکرد داعش در شبکه‌های توئیتر و اینستاگرام اختصاص داشته‌اند. «گمنامی و ناشناختگی در شبکه‌های اجتماعی» یکی دیگر از زیرمؤلفه‌های مقوله اصلی فراگیر است که مشارکت‌کنندگان با تأکید بر خصلت‌های تروریسم رسانه‌ای روی موضوعات گمنامی هویت، گمنامی و ناشناختگی در فضای شبکه‌های اجتماعی، گمنامی و زبان دیجیتال، ناشناختگی، پنهان‌سازی هویت، ناشناس بودن ارتباطات، فرصت‌ها و ظرفیت‌های موجود در فضای رسانه از نظر دسترسی، گمنامی، ارتباطات سریع و غیره به مزیت‌های بهره‌گیری جریان‌ات تروریستی همچون داعش از شبکه‌های اجتماعی اشاره داشته‌اند. «دسترس‌پذیری رویکرد تروریسم در شبکه‌های اجتماعی» با ویژگی‌های سطح انعطاف‌پذیری رسانه‌ها، سرعت زیاد انتقال پیام، سرعت بازنشر، مزیت‌های رسانه‌ای از نظر سرعت سریع انتقال پیام، تمرکززدایی، ایجاد ارتباطات چندگانه، گستردگی سطح انتقال پیام و محتوا، سطح پوشش رسانه‌ای درخصوص اقدامات تروریستی، فضای تعاملی و ارتباطاتی وسیع، ارزان بودن هزینه شبکه‌های اجتماعی به کارکردها و مزایای رسانه‌ای شبکه‌های اجتماعی در خدمت تروریسم مشخص شده‌اند.

یکی از مدیران رسانه‌ای معتقد است: «...کارکردهای رسانه‌ای در جهت پیشبرد گفتمان تروریستی توانسته است زمینه مناسبی برای اقناع افکار عمومی و تولید و بازنشر موضوعات مختلف رسانه‌ای را در شبکه‌های اجتماعی ایجاد کند...».

استاد دانشگاه معتقد است: «... داعش با استفاده از قدرت شبکه‌های اجتماعی این امکان را پیدا کرد که با هوشمندی و با اذعان به مختصات دسترس‌پذیری راحت و بدون هزینه به این فضا، گفتمان خود را پیش ببرد و در حین حفظ گمنامی و ناشناختگی در فضای شبکه‌ای به جذب نیروی انسانی از جاهای مختلف دنیا اقدام کند...».

دانشیار دانشگاه معتقد است: «...عملکرد رسانه‌ای توئیتر و فیسبوک در سطح جهانی و بین‌الملل به گونه‌ای بوده است که ابزارهای گفتمان‌سازی، اقناع‌سازی، به اشتراک‌گذاری افکار، و موضوعات دیگر اینچنینی، روابط بین گروه‌های تروریستی را در این فضا به سمت وحدت پیش برده است و این از کارکردهای مناسب شبکه‌های اجتماعی بوده است...».

۳- چالش‌های سرمایه اجتماعی ظهور تروریسم رسانه‌ای از نظر مشارکت‌کنندگان به عنوان یکی دیگر از مقولات اصلی معرفی شده‌اند.

چالش‌های سرمایه اجتماعی ظهور تروریسم رسانه‌ای از نظر مشارکت‌کنندگان (محصول ۱) چالش‌های رسانه‌ای؛ (۲) چالش‌های سیاسی (دولت-جامعه ضعیف)؛ (۳) چالش‌های اجتماعی (فرسایش سرمایه اجتماعی)؛ (۴) چالش‌های فرهنگی؛ و (۵) چالش‌های اقتصادی معرفی شده‌اند.

«چالش‌های رسانه‌ای» به واسطه جریان‌سازی رسانه‌ای تروریسم به عنوان یکی از زیرمؤلفه‌های چالشی ناشی از ظهور تروریسم رسانه‌ای و بهره‌گیری تروریست‌ها از فضای رسانه‌ای نامگذاری شده است؛ مشارکت‌کنندگان با تأکید روی موضوع حساسیت رسانه‌ها، پرهیز ارادی رسانه‌ها درخصوص انتشار و پوشش خبری جریان‌های تروریستی، کنترل جریان اطلاعات تروریستی در شبکه‌های اجتماعی، فقدان کنترل روی جریان‌های تروریستی، هدف‌گذاری روی جریان‌سازی رسانه‌ای و موضوعاتی از این قبیل به چالش‌های رسانه‌ای تأکید کرده و مسئله‌آفرینی فضای شبکه‌های اجتماعی را متذکر شده‌اند.

«چالش‌های سیاسی (دولت-جامعه ضعیف)» یکی دیگر از زیرمؤلفه‌های نامگذاری شده در حیطه مقوله اصلی چالش‌ها است که با تمرکز بر تحولات سیاسی، ظرفیت/ قدرت دولت، نقش تنظیم‌گری جامعه مدنی و مناسبات دولت-جامعه در کنترل تروریسم نامگذاری شده است؛ (۱) در تحولات سیاسی در بستر رسانه، تروریسم رسانه‌ای از رسانه به مثابه راهی برای رصد دنیای سیاست، بهره‌گیری از رسانه در تحولات اجتماعی و جنبش‌ها و انقلاب‌ها و دگرگونی‌های سیاسی ناشی از فضای شبکه اجتماعی استفاده کرده و فضای شبکه اجتماعی را بستری برای بسط و توسعه تحولات سیاسی و دگرگونی در وضعیت حکمرانی کلان آن جامعه تعریف کرده است؛ (۲) ظرفیت/قدرت دولت در بستر رسانه به عملکرد دولتی در نحوه پوشش خبری، ترساندن قدرت‌های حاکم از سوی تروریسم، ضعیف و ناکارآمد بودن دولت‌ها از نظر عملکردی در رویارویی با جریان تروریسم، ناتوانی دولت‌ها در مدیریت سطوح مختلف جامعه، ضعف رویکردی در مدیریت فیلترینگ رسانه‌ای، نبود دولت قدرتمند و کارآمد در رفع مشکلات جامعه، اختلافات سیاسی، نبود مدیریت خردمندانه کلان

کشور از جانب دولت‌های ضعیف، نقش رسانه‌ها در راهبرد دولت‌ها برای جنگ شناختی، ارائه داده‌های ناقص از جانب دولت‌ها، تشدید فشار بر مردم از جانب صاحبان قدرت و ثروت در برآورده کردن خواسته‌های قدرت‌ها، سلطه نظامی افراد و دولتمردان بر یک جامعه با هدف نفوذ و سلطه خطمشی بر آن، بی‌دولت‌شدن و نبود دولت اثربخش، اعتبارزدایی از نهادها و مسئولان حاکمیتی و دیگر موضوعات از جمله کدهای توصیفی مرتبط با ظرفیت دولت در مواجهه با تروریسم در بستر رسانه بوده است؛ ۳) نقش تنظیم‌گری جامعه مدنی در کنترل تروریسم به نقش مهم جامعه مدنی در تنظیم‌گری، قدرت بالای ضربه‌گیرهای اجتماعی همچون جامعه مدنی در کنترل تروریسم، مساله‌دار شدن قدرت تنظیم‌گری جامعه با زوال جامعه مدنی و تضعیف یا فقدان آن، اهمیت فعال‌شدن حوزه عمومی و جامعه مدنی، نقش اتحادیه‌ها و اصناف، خیریه‌ها، سمن‌ها، پیرنگ بودن نقش جامعه مدنی، اهمیت سازمان‌های مردم‌نهاد، بازسازی اندیشه‌ای و رویکردی درخصوص جامعه مدنی و نحوه شکل‌گیری حوزه عمومی دلالت دارد که از جانب مشارکت‌کنندگان پژوهش به آن اشاره شده است؛ ۴) مناسبات دولت-جامعه در کنترل تروریسم به تضاد بین دولت و نیروهای اجتماعی، یک جانبه‌گرایی، هم‌سو نبودن دیدگاه مردم و مسئولان، اثرگذاری نوع روابط (افقی-عمودی) بین جامعه و مردم در کنترل تروریسم، تقویت مناسبات دولت و مردم، بی‌اعتباری مناسبات دولت و متن جامعه از دیگر محورهای مرتبط با موضوع چالش‌های سیاسی ظهور تروریسم رسانه‌ای تلقی شده است.

چالش‌های اجتماعی به عنوان یکی از زیرمؤلفه‌های نامگذاری شده از سوی مشارکت‌کنندگان پژوهش با تمرکز روی امنیت رسانه‌ای، امنیت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی، تحقیر اجتماعی و انباشت نارضایتی و نارضایان در شبکه‌های اجتماعی به موضوع تأثیر فرسایش سرمایه اجتماعی در نحوه ظهور تروریسم رسانه‌ای مورد بحث قرار گرفته است؛ ۱) امنیت رسانه‌ای به موضوع فقدان امنیت رسانه‌ای در حفظ مطالب و انتشار آن، ناامنی فضای شبکه‌های اجتماعی، زیرسوال رفتن صلح و امنیت، بومی‌سازی دانش امنیت رسانه و شبکه‌های اجتماعی، ضربه دیدن امنیت شبکه‌های اجتماعی، شیوع ناامنی در فضای رسانه‌ای اشاره دارد؛ ۲) امنیت اجتماعی به زیرسوال رفتن امنیت عمومی

و اجتماعی، متاثر شدن امنیت اجتماعی ناشی از ظهور تروریسم، زیرسؤال رفتن ایمنی جامعه دلالت دارد؛ ۳) اعتماد اجتماعی رسانه‌ای به فقدان اعتماد به نظام اجتماعی تأثیرگذار در روی آوردن به تروریسم، نقش اثرگذار اعتماد اجتماعی در کم و کیف تروریسم رسانه‌ای، نسبت معکوس مناسبات اعتماد اجتماعی با تروریسم، جامعه ناراضی با فرسایش اعتماد اجتماعی، شکل‌گیری بی‌اعتمادی، ضربه‌دیدن کیفیت اعتماد در بستر رسانه‌ها مرتبط است؛ ۴) مشارکت اجتماعی در بستر رسانه به موضوع مشارکت در شرایط مختلف در بستر رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی جزء جدایی‌ناپذیری از تلاش داعش برای پیشبرد اهداف نامشروع، جلب مشارکت عمومی و فعال کاربران اشاره داشته است؛ ۵) انسجام اجتماعی رسانه‌ای به موضوع نبود وحدت و انسجام ملی، واگرایی به قدرت مرکزی اثرگذار در ابراز اعتراض و خشونت، فرسایش انسجام ملی، انسجام بین کنش‌گران، همبستگی مثبت ذخایر بالاتر انسجام اجتماعی با تعداد گروه‌های تروریستی، همبستگی در درون تروریست‌ها، همزادپنداری با تروریسم و گروه‌های تروریستی، ایجاد هماهنگی بین آحاد جامعه ذیل یک امر ناشی از خشونت تروریستی، نبود وحدت ملی، وجود نیروهای گریز از مرکز نظیر ضعف انسجام ملی دلالت دارد؛ ۶) شکاف‌های اجتماعی به ظهور چالش‌های ناشی از شکاف اجتماعی در بین مردم و حاکمیت، شکاف اجتماعی و سیاسی در سطح جامعه، شکاف بین گروه‌های مطرود از جامعه با بدنه اجتماعی دلالت دارد؛ ۷) نقش تحقیر اجتماعی در ظهور تروریسم به موضوع تحقیر گروه‌ها و نیروهای اجتماعی، سرخوردگی و حقارت اجتماعی، شبکه اجتماعی بستری برای انتقال صداهای خاموش تحقیرشده، برجسته‌سازی حضور خود در جهت رسیدن به اهداف مدنظر به واسطه شبکه‌های اجتماعی دلالت دارد؛ ۸) انباشت نارضایتی و ناراضیان در شبکه‌های اجتماعی به پتانسیل نارضایتی و تجمیع آن در شبکه‌های اجتماعی، نارضایتی، دوره‌می ناراضیان و مخالفان نظام اجتماعی مربوط می‌شود. چالش فرهنگی به عنوان موضوع مرتبط با اختلافات قومی و مذهبی در بستر رسانه یکی دیگر از زیرمؤلفه مرتبط با چالش‌های سرمایه اجتماعی است که در آن، رشد اختلافات قومی و مذهبی، جنگ مذهبی، نقش اثرگذار اختلافات قومی و مذهبی در ظهور تروریسم، همگرایی‌های قومی، دینی و فرهنگی، اختلافات مذهبی و توسعه بنیادگرایی، مدیریت افراط‌گرایی مذهبی، ایجاد اختلافات مذهبی، اختلافات قومی

و مذهبی، اختلافات قومی و قبیله‌ای، تعصبات قومی و نژادی، اختلافات دینی مورد توجه بوده است. چالش اقتصادی با محوریت بی‌عدالتی و فقر زمینه‌ساز تروریسم به موضوعاتی همچون فقر، تبعیض، نابرابری، بی‌عدالتی، شکاف طبقاتی، ناعادلانه بودن توزیع منابع اشاره دارد.

استادیار دانشگاه معتقد است: «... رسانه به عنوان مسیر و راهی در جهت رصد دنیای سیاست و تحولات سیاسی است که گروه‌های تروریسم بسته به اختلافات قومی و مذهبی، چالش‌های دولت‌ها در مدیریت منازعات سیاسی داخلی و خارجی، مشکلات اقتصادی ناشی از تبعیض‌ها و غیره است... چالش‌های سیاسی در فضای رسانه‌ای به ابعاد گسترده‌ای ظاهر می‌شود و همین با استفاده از رسانه در تحولات اجتماعی و جنبش‌ها و انقلاب‌ها، دگرگونی‌های سیاسی ناشی از فضای شبکه اجتماعی اهمیت می‌یابد...».

مدرس دانشگاه با تخصص جامعه‌شناسی می‌گوید: «... کیفیت روابط اجتماعی در فضای رسانه‌ای، مناسبات بین دولت‌ها با متن جامعه، کم و کیف عملکردی جامعه مدنی در مدیریت نقص‌های عملکردی و دیگر موضوعات پیرامون آن باعث می‌شود تا چالش‌های اجتماعی ناشی از فقدان انسجام ملی و وحدت بین گروه‌ها ظهور پیدا کنند...».

دانشیار روابط بین‌الملل دانشگاه معتقد است: «... عملکرد دولت‌ها در نحوه پوشش خبری و واقعیات مرتبط با آن باعث شده است تا افکار عمومی به نبود دولت قدرتمند و کارآمد در مدیریت مشکلات جامعه تأکید کنند...».

۴- راهبردهای مواجهه با تروریسم رسانه‌ای از نظر مشارکت‌کنندگان، محصول حکمرانی رسانه‌ای است.

راهبردهای مواجهه با تروریسم رسانه‌ای از نظر مشارکت‌کنندگان محصول حکمرانی رسانه‌ای است که ابعاد آن مشتمل بر: (۱) آموزش سواد رسانه‌ای و ارتقای آن؛ (۲) حکمرانی رسانه‌ای تروریست‌ها؛ (۳) سیاست‌گذاری رسانه‌ای؛ (۴) قاعده‌مندی فضای رسانه؛ (۵) راهبرد دروازه‌بانی اطلاعات؛ (۶) بهره‌گیری از ظرفیت‌های نخبگانی و اجتماعی در بستر رسانه؛ (۷) مصالحه و گفتگوی اجتماعی در بستر رسانه؛ و (۸) مسئولیت‌پذیری در بستر رسانه معرفی شده‌اند.

«آموزش سواد رسانه‌ای و ارتقای آن» به عنوان یکی از زیرمؤلفه‌های راهبرد حکمرانی رسانه‌ای نامگذاری شده است که به موضوع جذب و آموزش نیروها در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها، آموزش سواد رسانه‌ای، جایگاه آموزش رسانه‌ای، ارتقای سواد رسانه‌ای در حوزه شبکه‌های اجتماعی، پیامدهای سواد رسانه‌ای پایین کاربران و قاعده‌مندی آن به واسطه آموزش آنها، ارتقای سواد دیجیتال، فقدان یا نداشتن سواد رسانه‌ای درخصوص رسانه‌های اجتماعی، نبود قدرت تشخیص پیام‌های کذب و درست رسانه‌ای و دیگر محورهای مرتبط اشاره دارد. «حکمرانی رسانه‌ای تروریست‌ها» به عنوان یکی دیگر از زیرمؤلفه‌های راهبرد حکمرانی رسانه‌ای نامگذاری شده است که به رسانه به عنوان ابزاری مهم برای ایجاد حاکمیتی پایدار تأکید کرده و روی محورهای حاکمیت رسانه‌ای، حاکمیت تروریسم با قدرت رسانه، استفاده ابزاری از رسانه‌ها توسط گروه‌های تروریستی، استفاده از نقش حکمرانی رسانه‌ای از سوی جریان تروریسم متمرکز بوده است. «سیاست‌گذاری رسانه‌ای» به عنوان یکی دیگر از زیرمؤلفه‌های راهبرد حکمرانی رسانه‌ای به حداکثر اثرگذاری بر سیاست‌ها، سیاست‌گذاری مطلوب در رسانه‌ها، اهمیت سیاست رسانه‌ای و سیاست‌گذاری در آن، شکست کشورها مرهون راهبردها و برنامه‌های رسانه‌ای اشاره دارد. «قاعده‌مندی فضای رسانه» در حوزه حکمرانی رسانه‌ای به موضوع تعیین مقررات مناسب، مقررات‌گذاری و قانونمندی، قانونگذاری برای مدیریت فضای رسانه‌ای، کنترل تروریسم با قواعد نوین رسانه، فقدان یا اندک‌بودن مقررات‌گذاری مرتبط است. «راهبرد دروازه‌بانی اطلاعات» یکی دیگر از زیرمؤلفه‌های راهبرد حکمرانی رسانه‌ای است که به اتخاذ راهبرد دروازه‌بانی اطلاعات، ضعیف‌بودن دروازه‌بانی اطلاعات و حتی بی‌معناشدن آن، تغییر ماهیت در شبکه‌های اجتماعی اشاره دارد. «بهره‌گیری از ظرفیت‌های نخبگانی و اجتماعی در بستر رسانه» به موضوع بهره‌گیری از ظرفیت و نقش نخبگان در فرایند تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی‌های کشور، منابع انسانی متخصص در حوزه رسانه، نقش کنشگران و نیروهای اجتماعی در رویارویی با موضوع تروریسم رسانه‌ای و جریان‌ات تروریستی دلالت دارد. «مصالحه و گفتگوی اجتماعی در بستر رسانه» یکی دیگر از زیرمؤلفه‌های راهبرد حکمرانی رسانه‌ای است که به مصالحه و رسیدن به زبان مشترک بین اجزا و عناصر جامعه با بدنه قدرت، مصالحه اجتماعی با متن و آحاد جامعه، گفتگو روی موضوعات

مختلف جامعه، تقویت فرهنگ گفتگو و دیگر محورهای موضوعی مرتبط دلالت دارد. «مسئولیت‌پذیری در بستر رسانه» از دیگر زیرمؤلفه‌های راهبرد حکمرانی رسانه‌ای است که به مسئولیت‌پذیری عموم جامعه، احساس مسئولیت اجتماعی پست‌کننده و بازیابی کننده اطلاعات، مسئولیت مردم در قبال جامعه و در فضای رسانه، مبارزه و جرم‌انگاری موضوعات تروریستی، مسئولیت کیفری و حقوقی ناشی از تروریسم، توجه مسئولانه به موضوعات حقوقی تروریسم اشاره دارد.

مدیر رسانه‌ای معتقد است: «... با سیاست‌گذاری رسانه‌ای این امکان فراهم می‌شود تا بسترهای ایجاد اغتشاش در فضای رسانه‌ای و تروریسم رسانه‌ای علیه مردم به راحتی در دسترس جریان تروریسم قرار نگیرد...».

استاد دانشگاه معتقد است: «...عدم مدیریت و سیاست‌گذاری روی فضای شبکه‌های اجتماعی باعث می‌شود تا این فضا به صورت نوعی تهدید تلقی شود...چنانچه دروازه‌بانی اطلاعات در شبکه‌های اجتماعی انجام نشود باعث ایجاد گمراه‌کنندگی اطلاعات و دروغ‌نمایی واقعیات می‌شود...».

استادیار دانشگاه می‌گوید: «...بی‌توجهی به قواعد حاکم در فضای شبکه‌های اجتماعی و عدم قانونمندی نحوه استفاده از رسانه‌های اجتماعی باعث می‌شود تا به دلیل دسترسی بدون هزینه و راحت بودن استفاده از آن و دیگر مزایای این رسانه، گروه‌های مختلف برای اهداف و مطامع شخصی و گروهی خود برخلاف هنجارهای جامعه هدف به سمت برنامه‌های تروریستی بزنند...».

۵- عوامل مداخله‌گر در انتخاب راهبرد مواجهه با تروریسم رسانه‌ای از نظر مشارکت‌کنندگان محصول مداخلات، شبکه‌سازی منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و بین‌المللی است که ابعاد آن مشتمل بر (۱) مداخلات خارجی و بین‌المللی؛ و (۲) شبکه‌سازی بین‌المللی تروریسم و نقش جهانی رسانه معرفی شده‌اند.

«مداخلات خارجی و بین‌المللی» یکی از زیرمؤلفه‌های عوامل مداخله‌گر در قالب مداخلات، شبکه‌سازی منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و بین‌المللی است که به صورت حمایت‌های دولت‌های خارجی، نقش اثرگذار ساختار خارجی در ظهور داعش و تروریسم، جریان‌ات تروریستی ناشی از مداخلات خارجی مطرح شده است.

«شبه‌سازی بین‌المللی تروریسم و نقش جهانی رسانه» یکی دیگر از زیرمؤلفه‌های عوامل مداخله‌گر است که به شبه‌سازی بین‌المللی، ایجاد ارتباطات بین‌المللی، همراه‌کردن افکار عمومی خارجی، بهره‌گیری قدرت‌های جهانی از رسانه در قالب جنگ ترکیبی، نقش جهانی رسانه‌ها، از بین‌رفتن مرزها با حضور رسانه‌های جدید، ارتقایافتن از سطح یک ملیتی به چندملیتی، نقش نظام جهانی، نقش بازیگران بین‌المللی، اهمیت کنش‌گری بازیگران منطقه‌ای، داعش حاصل رقابت‌های بلوغ نیافته استراتژیک بین قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و دیگر محورهای موضوعی مرتبط است.

مدیر رسانه‌ای معتقد است: «... مداخلات بین‌المللی و تأثیرات عوامل خارجی در مهندسی فکر گروه‌های مخالف یک جامعه یکی از عوامل شکل‌دهی به روند جریان‌های تروریستی بوده است...».

استادیار دانشگاه می‌گوید: «... نقش بازیگران بین‌المللی در نحوه حضور جریان‌های تروریستی اثرگذار است؛ این‌که مشکلات سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و دیگر مسائل در یک کشوری وجود دارد کنش‌گران بین‌المللی در شبه‌سازی جریان‌های تروریستی نقش مداخله‌ای دارند و در مهندسی و شکل‌گیری آنها نقش دارند...».

۶- پیامدهای ناشی از ظهور تروریسم رسانه‌ای محصول شبکه‌سازی نهادی خشونت و مرئی‌شدن آن با فراواقعی‌سازی رخدادها است که ابعاد آن مشتمل بر (۱) تعامل رسانه و تروریسم؛ (۲) فراواقعی‌سازی در رسانه؛ (۳) خشونت‌زایی با پوشش رسانه‌ای؛ (۴) بسط جنگ روانی و شگردهای آن در بستر رسانه؛ (۵) ظهور تروریسم نوین در بستر رسانه؛ (۶) گسترش افراط‌گرایی؛ (۷) شبکه‌ای شدن تروریسم؛ (۸) مرئی‌شدن رسانه‌ای تروریسم؛ (۹) دروغ‌پردازی رسانه‌ای؛ (۱۰) تضعیف کیفیت روابط انسانی؛ و (۱۱) نهادمندی حامی‌سازی تروریسم در بستر رسانه معرفی شده‌اند.

«تعامل رسانه و تروریسم» یکی از زیرمؤلفه‌های ابعاد پیامدی تروریسم رسانه‌ای در رابطه با مقوله اصلی شبکه‌سازی نهادی خشونت و مرئی‌شدن آن با فراواقعی‌سازی رخدادها است که به موضوع تعامل دوسویه رسانه و تروریسم، نفع رسانه و تروریسم، هم‌زیستی تروریسم و رسانه، تأثیر و تأثر رسانه و تروریسم

اشاره دارد. «فراواقعی‌سازی در رسانه» به موضوع عدم پوشش واقعی اخبار واقعی، کشتن واقعیات جامعه در رسانه، ساخت واقعیات در رسانه‌ها، تشخیص‌ناپذیری واقعیات در رسانه‌های اجتماعی دلالت دارد که به عنوان یکی از زیرمؤلفه‌های ابعاد پیامدی تروریسم رسانه‌ای طرح شده است. «خشونت‌زایی با پوشش رسانه‌ای» به بهره‌گیری از اینترنت و توانایی ارتباطی پیشرفته با هدف پیشبرد دستورات جنایتکارانه، استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای تشدید خشونت، اقدامات خشونت‌آمیز در رسانه‌های اجتماعی، پوشش رسانه‌ای رعب و وحشت، تشدید انگاره‌های مرگ در شبکه‌های اجتماعی، ظهور، ترویج خصومت و خشونت ناشی از فرهنگ ستیزه‌جوی جامعه شبکه‌ای، بی‌پروایی در کارگردانی خشونت، ایجاد ترس و تهدید و رعب و وحشت در بستر رسانه، تولید ترس و وحشت در رسانه‌ها، تشدید اقدامات خشونت‌آمیز، خشونت‌سازی و ارباب، اعلام عمومی خشونت در رسانه‌ها، تشدید خشونت سیاسی، نقشه راهی برای وحشت عمومی، انعکاس اقدامات خشونت‌آمیز، گستردگی خشونت‌ها از یک دایره محدود به جغرافیایی بزرگ، انگیزه و جرئت انجام آن با خشونت، وجود زمینه‌ها و صحنه‌های خشونت اجتماعی، ترویج خشونت، تثبیت لایه‌های مختلفی از کارگردانی خشونت، عادی‌سازی خشونت، ترس و وحشت، استراتژی ترس و وحشت در تروریسم رسانه‌ای اشاره دارد.

«بسط جنگ روانی و شگردهای آن در بستر رسانه» به بحث روش‌های مختلف سلطه با جنگ روانی در رسانه، گسترش درد و رنج، افزایش آلام روانی، عاطفی، جسمانی، ارباب عمومی، هراس‌افکنی در جامعه هدف، دال مرکزی گروه‌های تروریستی در شبکه‌های اجتماعی، به‌کارگیری شگردهای روانی و تبلیغی، راه‌اندازی جنگ روانی، احساس عصبانیت مرتبط است. «تروریسم نوین در بستر رسانه» یکی دیگر از زیرمؤلفه‌های پیامدی است که در قالب کدهای توصیفی جدیدترین سنخ تروریسم، نوع نوینی از تروریسم در جهان، نوع جدیدی از تروریسم در بستر رسانه، ظهور رفتارهای تروریسم رسانه‌ای ظاهر شده است. «گسترش افراط‌گرایی» به نشر محتوای افراطی، گسترش افراط‌گرایی، افراط‌گرایی در رسانه، توسعه رفتارهای افراطی در فضای رسانه، شبکه‌های اجتماعی بستر کردارهای افراطی دلالت دارد. «شبکه‌ای شدن تروریسم» به جامعه‌سازی در شبکه‌های اجتماعی، امکان ظهور

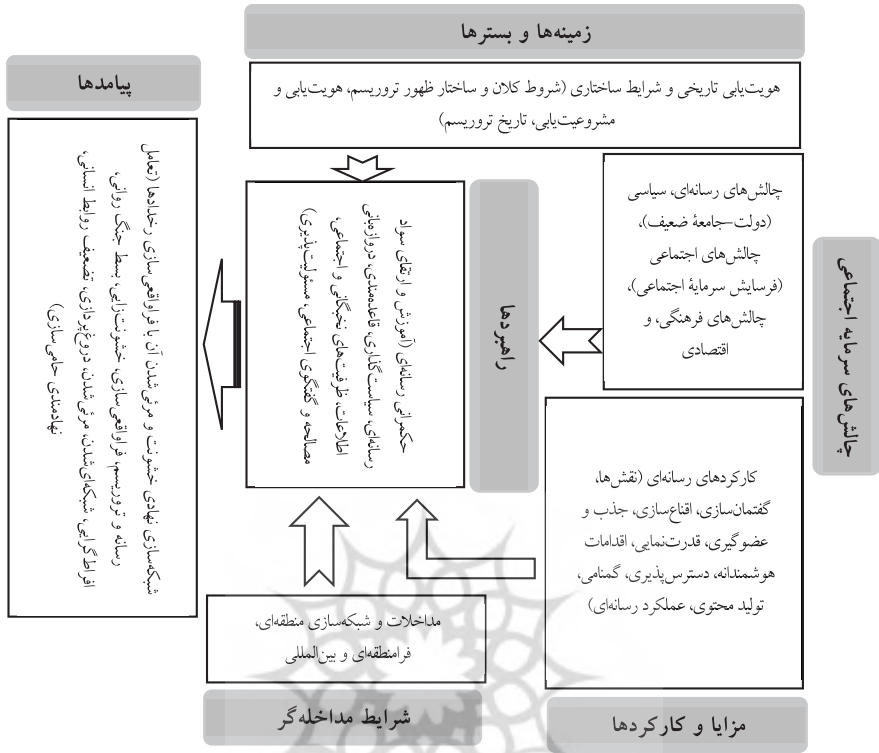
جامعه شبکه‌ای، خلق زنجیره‌ای تروریسم در رسانه دلالت دارد. «مرئی‌شدن رسانه‌ای تروریسم» به نحوه رسمیت‌یافتگی، مشروعیت‌یابی، به رسمیت شناخته‌شدن، جلب توجه عمومی، دیده‌شدن در شبکه‌های اجتماعی، موردتوجه قرارگرفتن در رسانه‌ها، تغییر شکل از قالب پنهان و ناشناخته به قالب عیان و شناختگی، عینیت بخشی به حضور خود و فعالیت‌های مخفیانه اشاره دارد. «دروغ‌پردازی رسانه‌ای» به موضوع برقراری حملات اطلاعاتی به صورت دروغ و بزرگنمایی، دروغ‌پردازی، شایعه‌پردازی، فریب زمینه‌های ذهنی و فکری دست زدن به رفتارهای خشن و تروریستی دلالت دارد. «تضعیف کیفیت روابط انسانی» از دیگر زیرمؤلفه‌های پیامدی است که معادله تروریسم در راستای کیفیت روابط بین انسان‌ها، گروه‌ها، اختلال در ساختار جوامع انسانی، بی‌توجهی به کرامت انسانی، تضعیف کیفیت روابط انسانی در فضای رسانه دلالت دارد. «نهادمندی حامی‌سازی تروریسم در بستر رسانه» به موضوع نهادسازی رسانه‌ای و شبکه‌ای برای مقابله، حامی‌سازی، فرآیندهای جذب و حامی‌سازی، مریدپروری در فضای رسانه‌ای از سوی داعش، نهادینه‌کردن ترور و افکار آن در فضای رسانه‌ای مرتبط است.

مدرس دانشگاه معتقد است: «... تشخیص‌ناپذیری واقعیات در رسانه‌های اجتماعی با بهره‌گیری از اینترنت و توانایی ارتباطی پیشرفته با هدف پیشبرد دستورات جنایتکارانه باعث شده است تا استفاده از شبکه‌های اجتماعی در جهت تشدید خشونت و اقدامات خشونت‌آمیز استفاده شود...».

مدیر رسانه‌ای می‌گوید: «...تولید ترس و وحشت در رسانه‌های اجتماعی یکی از اقتضائات بهره‌گیری تروریسم است تا با تشدید اقدامات خشونت‌آمیز، خشونت‌سازی و ارباب و اعلام عمومی خشونت در رسانه‌ها به نوعی قدرت‌نمایی کند...».

دانشیار دانشگاه معتقد است: «... تروریسم رسانه‌ای با قدرت‌گیری در فضای رسانه‌ای به صورت دروغ و بزرگنمایی برنامه‌های خود را به صورت دروغ‌پردازی، شایعه‌پردازی، فریب زمینه‌های ذهنی و فکری دست زدن به رفتارهای خشن و تروریستی را انجام می‌دهد...».

ارائه الگوی راهبردی مقابله با تروریسم رسانه‌ای با رویکرد سرمایه اجتماعی



نمودار ۱: مدل مواجهه با تروریسم رسانه‌ای در بستر شبکه‌های اجتماعی

براساس گد‌های تفسیری، مؤلفه‌های کدگذاری سازمان‌دهنده و فراگیر مدل اکتشافی استخراج و قضایای مرتبط با مدل به شرح زیر آمده است:

قضیه ۱: هویت‌یابی تاریخی و شرایط ساختاری زمینه و بستر علی اثرگذار در راهبردهای حکمرانی رسانه‌ای محسوب می‌شود؛

قضیه ۲: مزایا و کارکردهای رسانه‌ای نقش اثرگذاری در راهبردهای حکمرانی رسانه‌ای محسوب می‌شود؛

قضیه ۳: چالش‌های فرسایش سرمایه اجتماعی نقش اثرگذاری در راهبردهای حکمرانی رسانه‌ای محسوب می‌شود؛

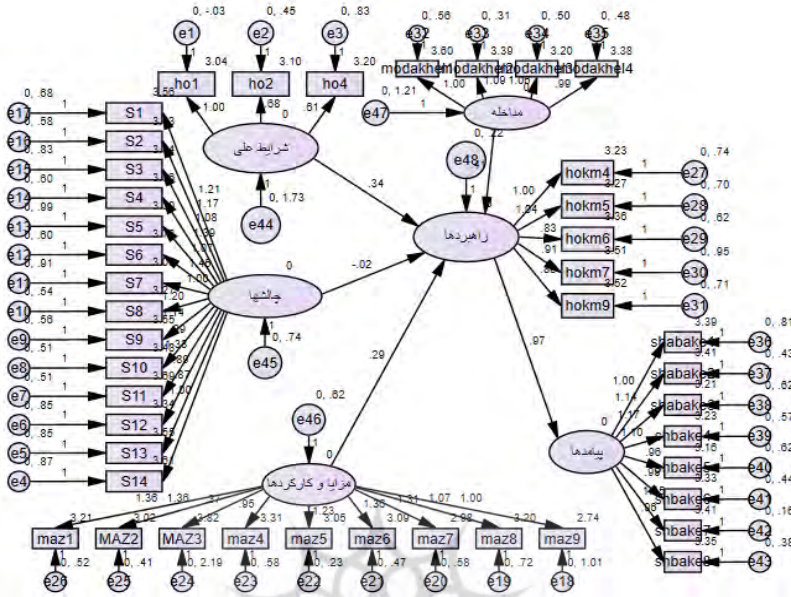
قضیه ۴: مداخلات و شبکه‌سازی منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و بین‌المللی نقش اثرگذاری در راهبردهای حکمرانی رسانه‌ای محسوب می‌شود؛

قضیه ۵: حکمرانی رسانه‌ای به عنوان راهبردهایی در جهت مدیریت پیامدهای تروریسم رسانه‌ای با هدف شبکه‌سازی نهادی خشونت و مرئی‌شدن آن با فراواقعی‌سازی رخدادها مطرح می‌شوند؛

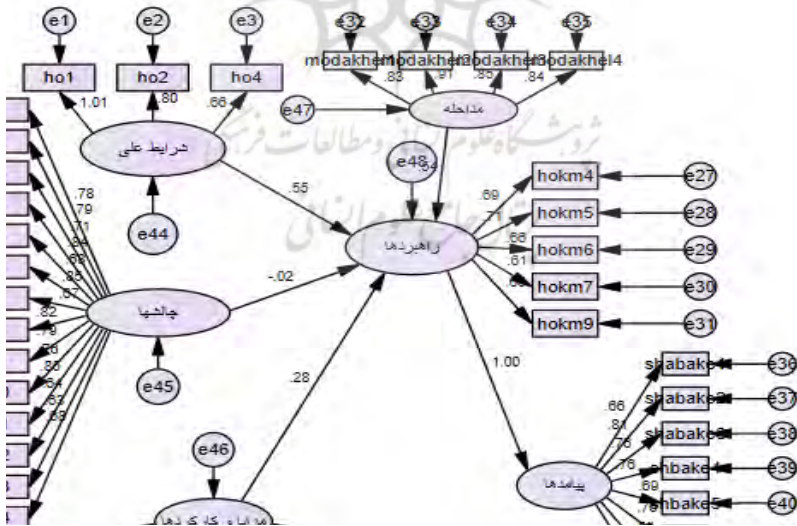
قضیه ۶: زمینه‌ها و بسترها، چالش‌ها، کارکردها و مزایا و عوامل مداخله‌گر از طریق میانجی‌گری راهبردهای حکمرانی رسانه‌ای در پیامدهای تروریسم رسانه‌ای با هدف شبکه‌سازی نهادی خشونت و مرئی‌شدن آن با فراواقعی‌سازی رخدادها در بستر رسانه تأثیر دارند.

متناسب با قضایای استخراجی در بخش مطالعه کیفی و تبدیل آنها به فرضیه‌های تحقیق، نتایج آزمون فرضیه‌ها در اشکال (۲) و (۳) آمده است. نتایج بررسی برازش مدل معادلات ساختاری نشان از برازش مناسب مدل دارد. همچنین، نتایج ارزیابی مدل معادلات ساختاری درخصوص فرضیه‌ها و سؤالات پژوهش نشان داد. ضرایب مسیر به ترتیب اثر هویت‌یابی تاریخی و شرایط ساختاری، مزایا و کارکردهای رسانه‌ای، چالش‌های فرسایش سرمایه اجتماعی، مداخلات و شبکه‌سازی منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و بین‌المللی در راهبردهای حکمرانی رسانه‌ای تروریسم برابر با ۰/۵۵ (تأیید)، ۰/۲۸ (تأیید)، ۰/۰۲- (رد)، ۰/۵۴ (تأیید) برآورد شده است و نسبت بحرانی این مسیرها با مقادیر بالاتر از ۱/۹۶ نشان از ارتباط معنی‌دار روابط بین متغیرها دارد. ضریب مسیر اثر راهبردها بر پیامدهای شبکه‌سازی نهادی خشونت برابر با ۰/۹۹ برآورد شده است و نسبت بحرانی این مسیر با مقدار ۱۰/۸۹، بالاتر از ۱/۹۶ قرار دارد بنابراین فرضیه تأیید شده است.

ارائه گوی راهبردی مقابله با تروریسم رسانه‌ای با رویکرد سرمایه اجتماعی



نمودار ۲: مدل معادلات ساختاری در حالت تخمین غیراستاندارد



نمودار ۳: مدل معادلات ساختاری در حالت تخمین استاندارد

همچنین، به ترتیب ضریب مسیر اثر غیرمستقیم هویت‌یابی تاریخی و شرایط ساختاری ظهور تروریسم رسانه‌ای و مداخلات و شبکه‌سازی منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و بین‌المللی از طریق میانجی‌گری راهبرد حکمرانی رسانه‌ای بر پیامدها برابر با ۰/۵۴ و ۰/۵۳ برآورد شده است. ضریب مسیر اثر غیرمستقیم مزایا و کارکردهای رسانه‌ای از طریق میانجی‌گری راهبرد حکمرانی رسانه‌ای بر پیامدها برابر با ۰/۲۸ برآورد شده است.

جدول ۴: ضرایب مسیر مدل معادلات ساختاری

معناداری (Sig)	نسبت بحرانی (CR)	خطای استاندارد	برآورد استاندارد	برآورد غیراستاندارد	ضرایب مستقیم	
					راهبردها	زمینه
۰/۰۰۰	۱۰/۴۸	۰/۰۳	۰/۵۵	۰/۳۴	راهبردها	زمینه
۰/۰۰۰	۹/۹۵	۰/۰۴	۰/۵۴	۰/۴۱	راهبردها	مداخله‌گر
۰/۵۴۱	-۰/۶۱	۰/۰۴	-۰/۰۲	-۰/۰۲	راهبردها	چالش‌ها
۰/۰۰۰	۶/۰۲	۰/۰۵	۰/۲۸	۰/۲۹	راهبردها	مزایا
۰/۰۰۰	۱۰/۸۹	۰/۰۹	۰/۹۹	۰/۹۷	پیامدها	راهبردها
ضرایب غیرمستقیم مدل کلی						
۰/۵۴=۰/۹۹ * ۰/۵۵		پیامد			راهبردها	علی
۰/۵۳=۰/۹۹ * ۰/۵۴		پیامد			راهبردها	مداخله‌گر
۰/۲۸=۰/۹۹*۰/۲۸		پیامد			راهبردها	مزایا

جدول ۵: شاخص‌های برازش مدل معادلات ساختاری

نتیجه	مقادیر حاصله	مقدار قابل قبول	شاخص‌ها
برازش مناسب	۳/۲۲	$\chi^2 / df < ۳$	df/ X ²
برازش مناسب	۰/۰۳۴	< ۰/۰۵	RMSEA
برازش مناسب	۰/۹۱	> ۰/۹۰	GFI
برازش مناسب	۰/۹۲	> ۰/۹۰	IFI

با این توضیحات، نتایج حاصل از پژوهش، در پاسخ به سؤالات در ابتدا و سپس آزمون فرضیه در مرحله بعدی به شرح ذیل ارائه شده است:

۱- عناصر مدل تدوین شده برای مقابله با تروریسم رسانه‌ای با رویکرد سرمایه اجتماعی چه تأثیری دارند؟

تأثیر هریک از عناصر مدل تدوین شده در تروریسم رسانه‌ای با رویکرد سرمایه اجتماعی، از طریق پاسخ به فرضیه‌های زیر مشخص شده است.

فرضیه اول: هویت‌یابی تاریخی و شرایط ساختاری در راهبردهای حکمرانی رسانه‌ای تروریسم تأثیر دارد.

نتایج تحلیلی ضریب مسیر با مقدار ضریب $0/55$ و نسبت بحرانی $10/48$ ، بالاتر از $1/96$ نشان داد که فرضیه پژوهش با اطمینان 99 درصد پذیرفته شده است بنابراین هویت‌یابی تاریخی و شرایط ساختاری به عنوان زمینه یا بستر ظهور تروریسم رسانه‌ای در راهبردهای حکمرانی رسانه‌ای تروریسم اثر معنادار، مثبت و مستقیمی داشته است.

فرضیه دوم: مزایا و کارکردهای رسانه‌ای در راهبردهای حکمرانی رسانه‌ای تروریسم تأثیر دارد.

ضریب مسیر اثر مزایا و کارکردهای رسانه‌ای بر راهبردها با $0/28$ و نسبت بحرانی $6/02$ ، بالاتر از $1/96$ نشان از تأثیر معنادار و مستقیم آن بر راهبردهای تروریسم رسانه‌ای دارد.

فرضیه سوم: چالش‌های فرسایش سرمایه اجتماعی در راهبردهای حکمرانی رسانه‌ای تروریسم تأثیر دارد.

نتایج تأثیر چالش‌های فرسایش سرمایه اجتماعی تروریسم بر راهبردهای حکمرانی رسانه‌ای تروریست‌ها با ضریب مسیر $0/02$ - و نسبت بحرانی $0/61$ -، نشان از عدم تأیید فرضیه دارد.

فرضیه چهارم: عوامل مداخلات و شبکه‌سازی منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و بین‌المللی در راهبردهای حکمرانی رسانه‌ای تروریسم تأثیر دارد.

نتایج ضریب مسیر اثر مداخلات و شبکه‌سازی منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و بین‌المللی بر راهبردهای حکمرانی رسانه‌ای تروریسم با ۵۴/۰ و نسبت بحرانی ۹/۹۵، نشان از تأیید فرضیه دارد.

فرضیه پنجم: حکمرانی رسانه‌ای به عنوان راهبردهایی در جهت مدیریت پیامدهای تروریسم رسانه‌ای با هدف شبکه‌سازی نهادی خشونت و مرئی‌شدن آن با فراواقعی‌سازی رخدادها تأثیر دارد.

بررسی ضریب مسیر اثر راهبردها بر پیامدهای شبکه‌سازی نهادی خشونت و مرئی‌شدن آن با فراواقعی‌سازی رخدادها با ۹۹/۰ و نسبت بحرانی ۱۰/۸۹، نشان از تأیید فرضیه دارد.

نقش اثرگذار هرکدام از مقولات علی در قالب سؤالات به شرح زیر آمده است:

۱- عوامل علی هویت‌یابی تاریخی و شرایط ساختاری از طریق میانجی‌گری راهبرد حکمرانی رسانه‌ای تروریسم در پیامدهای شبکه‌سازی نهادی خشونت و مرئی‌شدن آن با فراواقعی‌سازی رخدادها چه تأثیری دارند؟

ضریب مسیر اثر غیرمستقیم هویت‌یابی تاریخی و شرایط ساختاری ظهور تروریسم رسانه‌ای از طریق میانجی‌گری راهبرد حکمرانی رسانه‌ای بر پیامدها برابر با ۵۴/۰ برآورد شده است.

۲- عوامل مداخله‌گر مداخلات و شبکه‌سازی منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و بین‌المللی از طریق میانجی‌گری راهبرد حکمرانی رسانه‌ای تروریسم در پیامدهای شبکه‌سازی نهادی خشونت و مرئی‌شدن آن با فراواقعی‌سازی رخدادها چه تأثیری دارند؟

ضریب مسیر اثر غیرمستقیم مداخلات و شبکه‌سازی منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و بین‌المللی تروریسم رسانه‌ای از طریق میانجی‌گری راهبرد حکمرانی رسانه‌ای بر پیامدها برابر با ۵۳/۰ برآورد شده است.

۳- مزایا و کارکردهای رسانه‌ای از طریق میانجی‌گری راهبرد حکمرانی رسانه‌ای تروریسم در پیامدهای شبکه‌سازی نهادی خشونت و مرئی‌شدن آن با فراواقعی‌سازی رخدادها چه تأثیری دارند؟

ضریب مسیر اثر غیرمستقیم مزایا و کارکردهای رسانه‌ای از طریق میانجی‌گری راهبرد حکمرانی رسانه‌ای بر پیامدها برابر با ۲۸٪ برآورد شده است.

نتیجه‌گیری

واکاوای شرایط علّی ظهور تروریسم رسانه‌ای نشان از این دارد که مقوله تروریسم رسانه‌ای در ارتباط با زمینه و بسترها و مزایا و کارکردهای رسانه‌ای خاصه چالش‌های سرمایه اجتماعی به عنوان شرایط علّی قرار گرفته است؛ در شرایطی که هویت‌یابی افراد ناشی از مشکلات اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، جنگ قومی و مذهبی صورت می‌گیرد. خدشه‌دار شدن غرور، ملیت، تاریخ و آرمان‌های یک ملت در رسانه، همزادپنداری با شخصیت‌های تاریخی، سناریوهای تاریخی مرتبط با رخدادهای هویتی افراد، شرایط ساختاری از نظر مشکلات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، قومیتی، انسان‌شناختی و دینی باعث می‌شود تا افرادی از جامعه به شکل گروه‌های تروریستی، هویت‌یابی بکنند. چنین بحثی به عنوان عوامل زمینه‌ای و بستری‌های شکل‌گیری تروریسم رسانه‌ای با موضوع «هویت‌یابی تاریخی و شرایط ساختاری» با یافته‌های ادبیات و بدنه دانش فاضلی و همکاران (۱۳۹۶)، سیمتی و زیونار (۲۰۱۸)، عباسی (۱۳۹۶) و اسمیت و همکاران (۲۰۱۸) سازگاری داشته است.

جریان تروریسم رسانه‌ای با استفاده از مزیت‌های شبکه‌های اجتماعی این امکان را یافته است تا امکانات کارکردی شبکه‌های اجتماعی به ویژه توئیتر و فیسبوک را در انتقال پیام به گروه مخاطبان هدف، و بهره‌گیری از نقش‌ها و کارکردهای رسانه جمعی برای پیشبرد اهداف تروریستی بیابد تا به واسطه گفتمان‌سازی تروریسم فضای مناسب را در جهت بازآرایی زبانی در فضای بین‌المللی و اقناع‌سازی رسانه‌ای افکار عمومی و انتظام‌بخشی به آن پیدا کند. نتیجه چنین تحلیلی با یافته‌های ادبیات و پیشینه پژوهش و مطالعات حسین (۲۰۱۸)، بویله و موور (۲۰۱۸)، علی‌اکبری (۱۳۹۹)، فرهنگی و عباسی (۱۳۹۷)، هالاهان (۲۰۱۰)، و عباسی (۱۳۹۶) همخوانی دارد.

زمینه‌ها و مزایای رسانه‌ای هم‌سو با چالش‌های تأثیرگذار رسانه‌ای همچون پرهیز ارادی رسانه‌های ملی و جهانی درخصوص انتشار و پوشش خبری جریان‌ات تروریستی، فقدان کنترل روی جریان‌ات تروریستی، هدف‌گذاری روی جریان‌سازی رسانه‌ای، چالش‌های سیاسی همچون تحولات سیاسی کشورها نظیر عراق و

افغانستان، ظرفیت‌های دولت و نقش تنظیم‌گری جامعه مدنی و مناسبات دولت-جامعه، چالش‌های اجتماعی از نظر کیفی سرمایه اجتماعی بین افراد جامعه و نیروهای مطرود جامعه، چالش‌های فرهنگی نظیر اختلافات قومی و مذهبی، افراط‌گرایی دینی، تعصبات قومی و نژادی به همراه چالش‌های اقتصادی نظیر وجود زمینه‌های بی‌عدالتی، فقر، تبعیض، نابرابری، شکاف طبقاتی، در حکمرانی رسانه‌ای تروریسم نقش عمده‌ای را ایفا می‌کنند. به تعبیری، وجود زمینه‌های تاریخی، مزیت‌های کارکردی شبکه‌های اجتماعی به همراه چالش‌های سرمایه اجتماعی در جامعه از علل ظهور تروریسم رسانه‌ای بوده است که با نتایج مطالعات اسمیت و همکاران (۲۰۱۸)، فرهنگی و عباسی (۱۳۹۷)، عباسی (۱۳۹۶)، هلفشتاین (۲۰۱۳)، آسال و همکاران (۲۰۱۴)، پیزینسکی و همکاران (۲۰۰۳)، گادفرویت و لانگر (۲۰۲۰)، وندر دوز و همکاران (۲۰۲۱) سازگاری ندارد.

حکمرانی رسانه‌ای با تأثیر از عوامل مذکور در مواجهه با تروریسم به واسطه آموزش سواد رسانه‌ای و ارتقای آن، سیاست‌گذاری رسانه‌ای و قاعده‌مندی آن، به کارگیری راهبرد دروازه‌بانی اطلاعات، بهره‌گیری از ظرفیت‌های نخبگانی و اجتماعی در بستر رسانه در جهت روشن‌شدن ابعاد تروریسم رسانه‌ای و در نهایت ایجاد مسئولیت‌پذیری در بستر رسانه باعث می‌شود تا ابعاد پیامدی ناشی از ظهور تروریسم و استقرار خشونت مدیریت شود. هم‌چنین مداخلات خارجی و بین‌المللی به صورت حمایت‌های دولت‌های خارجی، نقش اثرگذار ساختار خارجی در ظهور داعش و تروریسم، جریان‌ات تروریستی ناشی از مداخلات خارجی به همراه شبکه‌سازی بین‌المللی تروریسم و نقش جهانی رسانه از دیگر موضوعات مهمی است که در شبکه‌سازی بین‌المللی، ایجاد ارتباطات بین‌المللی، همراه‌کردن افکار عمومی خارجی، بهره‌گیری قدرت‌های جهانی از رسانه در قالب جنگ ترکیبی، نقش جهانی رسانه‌ها، از بین‌رفتن مرزها با حضور رسانه‌های جدید، ارتقایافتن از سطح یک ملیتی به چندملیتی، نقش نظام جهانی، نقش بازیگران بین‌المللی، اهمیت کنش‌گری بازیگران منطقه‌ای در ظهور جریان تروریسم اثرگذار بوده‌اند. تمامی این عوامل به واسطه راهبرد حکمرانی رسانه‌ای در کنترل و نظارت روی شبکه‌سازی نهادی خشونت و مرئی‌شدن آن با فراواقعی‌سازی رخدادها به صورت خشونت‌زایی با پوشش رسانه‌ای، جنگ روانی و شگردهای آن در بستر رسانه، ظهور تروریسم

نوین رسانه‌ای در بستر رسانه، گسترش افراط‌گرایی، دروغ‌پردازی رسانه‌ای نقش مهمی را ایفا می‌کنند. نتایج این تحلیل با نتایج مطالعات عباسی (۱۳۹۶)، آوان (۲۰۱۷) و حسین (۲۰۱۸) سازگاری دارد. راهبردهای مواجهه با تروریسم رسانه‌ای در قالب حکمرانی رسانه‌ای با نتایج مطالعات فرهنگی و عباسی (۱۳۹۷)، مرادی‌فر و امید (۱۳۹۷) و علی‌اکبری (۱۳۹۹) سازگاری دارد. پیامدهای ناشی از ظهور تروریسم رسانه‌ای که به صورت شبکه‌سازی نهادی خشونت و مرئی‌شدن آن با فراواقعی‌سازی رخدادها ظاهر شده است با نتایج مطالعات بوبله و موور (۲۰۱۸)، سمتی و زیونار (۲۰۱۸)، آوان (۲۰۱۷)، آستین ترک (۱۹۸۲، ۲۰۰۴)، و علی‌اکبری (۱۳۹۹) همخوانی دارد. نتایج بخش مطالعه کمی نشان از این داشت که تمام فرضیه‌های پژوهش به غیر از نقش چالش‌های سرمایه اجتماعی بر تروریسم رسانه‌ای مورد تأیید قرار گرفتند.

متناسب با نتایج به‌دست‌آمده برای مقابله با جریان تروریسم رسانه‌ای با هدف بهبود و ارتقای حکمرانی رسانه‌ای موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. به دلیل اهمیت نحوه هویت‌یابی افراد در جامعه لازم است بخش‌های فرهنگی و سیاست‌گذاری کشور با رصد و پایش وضعیت مناطق مختلف کشور، به موضوع تاریخی شکل‌گیری تروریسم به‌طور عام و تروریسم رسانه‌ای به‌طور خاص در مناطق هدف نگاه منطقی داشته باشند تا با برنامه‌ریزی منسجم و مدون درخصوص رفع موانع ساختاری و کلان کشور در حوزه‌های مرتبط با مشکلات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی این امکان فراهم شود تا موضوع تروریسم در فضای واقعی و مجازی مدیریت شود. تمرکز روی مدیریت هدفمند و برخط شبکه‌های اجتماعی و رصد فعالیت‌ها و اقدامات خرابکارانه با تمرکز بر قاعده‌مندسازی رفتارهای کاربران در سطوح ملی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای می‌تواند چالاک‌ی لازم درخصوص برنامه‌ریزی در قبال تروریسم فیس‌بوکی و توئیتر و دیگر ابعاد مرتبط با شبکه‌های اجتماعی و به نوعی مقابله با تروریسم رسانه‌ای را مهیا کند. یکی از محورهای هویت‌یابی تاریخی به موضوع تنش‌های قومی و مذهبی در منطقه، مشکلات اقتصادی و محرومیت‌ها بر می‌گردد که لازمه بازنگری

سیاست‌های کلان و منطقه‌ای و محله‌ای را می‌طلبد.

۲. با توجه به شرایط گمنامی و ناشناختی و دیگر کارکردهای دسترس‌پذیر شبکه‌های اجتماعی برای ورود تروریسم به فضای رسانه‌های اجتماعی و حضور فعال در شبکه‌های اجتماعی ضروری است تا نقش فرهنگ رسانه‌ای در خصوص نحوه مدیریت آن ترسیم و افقی برای آن تعریف شود. از همین‌رو، با رصد و پایش کارکردهای مرتبط با رسانه‌های اجتماعی فیس‌بوک و توئیتر از نظر دسترسی راحت و آسان، هزینه پایین، وجود زمینه‌های گمنامی و دیگر محورهای پیرامون آن، بایستی سیاست‌گذاری رسانه‌های اجتماعی در این خصوص بازنگری شود تا متناسب با شرایط فعلی منطقه‌ای، دسترس‌پذیری آزادانه برای انجام اقدامات تروریسم رسانه‌ای را به حداقل برساند.

۳. خط‌مشی‌گذاری روی موضوع سرمایه اجتماعی و چالش‌های مرتبط با آن باعث ایجاد زمینه‌های اتحاد و انسجام اجتماعی در فضای اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی خواهد شد. با عنایت به این‌که وجود هرگونه چالش در ساختار روابط اجتماعی باعث ظهور جریان تروریسم به اشکال مختلف خواهد شد توصیه می‌شود چالش‌های کشورهای منطقه در رابطه با محورها و ابعاد مرتبط با سرمایه اجتماعی مورد توجه و برنامه‌ریزی باشد. بهره‌گیری از ظرفیت‌های مردمی و محلی، دینی و مذهبی، قومی و به طور خاص تقویت روابط بین مردم و دولت در بستر رسانه‌های اجتماعی می‌تواند در رفع چالش‌های سرمایه اجتماعی در مقابله با تروریسم رسانه‌ای اثرگذار واقع شود.

۴. وجود برنامه‌های منسجم در خصوص نحوه مواجهه با جریان‌های بین‌المللی و فرمان‌مندی در انسجام‌بخشی به جریان‌های معاند و مخالف نظام جمهوری اسلامی، و نیز بسط تروریسم در اشکال مختلف خود با همکاری بازیگران منطقه‌ای، برنامه هدفتندی روی موضوعات هویت تاریخی و شرایط ساختاری جامعه به همراه چالش‌های ناشی از سرمایه اجتماعی و نحوه بهره‌گیری جریان تروریسم از فضای شبکه‌های اجتماعی طراحی و تدوین شود. انسجام و اتحاد بین کشورهای اسلامی و منطقه می‌تواند نحوه مواجهه

با این پدیده را تسریع و تسهیل کند؛ یکی از پیش‌زمینه‌های چنین امری تحقق دروازه‌بانی اطلاعات و مدیریت برخط رسانه‌های اجتماعی در مدیریت تروریسم رسانه‌ای است.

۵- به واسطه ارتقای سطح آموزش سواد رسانه‌ای بین شهروندان به واسطه طراحی متن‌ها، بروشورها، تصاویر مرتبط با تروریسم رسانه‌ای و پیامدهای آن برای جامعه در فضای تلگرام، اینستاگرام و غیره و تقویت سازوکار حکمرانی رسانه‌ای از طریق سیاست‌گذاری رسانه‌ای به طور خاص در شورای فرهنگی کشور و پدافند غیرعامل و برنامه‌ریزی درخصوص نحوه هنجارمندی و قاعده‌مندسازی فضای رسانه‌ای در صداوسیما و شورای فضای مجازی، راهبردهای مواجهه با تروریسم رسانه‌ای تنظیم و تقویت خواهد شد.

۶- به منظور کنترل پیامدهای ناشی از ظهور تروریسم رسانه‌ای در قالب شبکه‌سازی نهادی خشونت و مرئی‌شدن آن با فراواقعی‌سازی رخدادها لازم است تا عوامل علی، زمینه‌ای، بین‌المللی و چالشی مرتبط با تروریسم رسانه‌ای مورد توجه و شناسایی باشند تا بدینوسیله امکان مدیریت سطح خشونت با فراواقعی‌سازی در رسانه، ازدیاد زمینه‌های خشونت‌زایی با پوشش رسانه‌ای و جنگ روانی و شگردهای آن در بستر رسانه وجود داشته باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

عباسی، حجت‌الله (۱۳۹۶). تبیین چالش‌های ناشی از تروریسم رسانه‌ای در شبکه‌های اجتماعی و ارائه مدل مناسب برای رویارویی با آنها، رساله دکتری گروه مدیریت رسانه پردیس البرز، تهران.

عراقچی، سیدعباس؛ دهشیری، محمدرضا؛ و جوزانی‌کهن، شاهین (۱۳۹۷). تروریسم و فضای مجازی در خاورمیانه: بررسی موردی داعش، تهران: انتشارات پایتخت، شانی.

علی‌اکبری، امیدرضا (۱۳۹۹). شبکه‌های اجتماعی و تروریسم رایانه‌ای: مطالعه موردی داعش، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم انسانی، رشته علوم سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس تهران.

غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰). سرمایه اجتماعی و امنیت انتظامی، سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا، تهران: نشر جامعه‌شناسان.

فاضلی، نعمت‌الله؛ سلطانی‌فر، محمد؛ و عباسی، حجت‌اله (۱۳۹۶). «مزیت‌ها و کارکردهای شبکه‌های اجتماعی برای گروه‌های تروریستی (مطالعه موردی: استفاده گروه داعش از توییتر و فیس‌بوک)». مطالعات رسانه‌های نوین. ۱۲: ۱-۲۹.

فرهنگی، علی‌اکبر؛ عباسی، حجت‌اله (۱۳۹۷). «طراحی مدل مقابله با چالش‌های تروریسم رسانه‌ای در شبکه‌های اجتماعی (مطالعه موردی: مطالعه گروه داعش در شبکه‌های توییتر و فیس‌بوک)». دوفصلنامه دین و ارتباطات، ۲۵ (۱): ۱۲۹-۱۵۶.

مرادی‌فر، سعیده؛ و امیدی، علی (۱۳۹۷). «تحلیل عملکرد داعش در به‌کارگیری سه نسل وب». فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، ۲۵ (۴)، ۱۶۱-۱۹۶.

نجات‌پور، مجید؛ میلانی، جمیل؛ و نجات، سیدعلی (۱۳۹۳). «پدیده داعش و شگردهای رسانه‌ای»، دوفصلنامه مطالعات امت اسلامی، ۱ (۱): ۸۹-۱۰۱.

- Awan, I. (2017). Cyber-extremism: Isis and the power of social media. *Society*, 54(2), (pp. 138-149).
- Bandura, A. (2001). Social cognitive theory of mass communication. *Media psychology*, 3(3), 265-299.
- Bastug, M. F., Onat, I., & Guler, A. (2023). Threat Construction and Framing of Cyberterrorism in the US News Media. *International Journal of Cybersecurity Intelligence & Cybercrime*, 6(1), 29-44.
- Bourdieu, P. (1997). *The forms of capital, in Handbook of Theory and the Search for the sociology of education*, edited by J.G. Richardson. (New York: Greenwood Press,).
- Boyle, K., & Mower, J. (2018). Framing terror: A content analysis of media frames used in covering ISIS. *Newspaper Research Journal*, 39(2), (pp. 205-219).
- Creswell, J. W., & Clark, V. L. P. (2017). *Designing and conducting mixed methods research*. Sage publications.
- Freedman, D., & Thussu, D. K. (Eds.). (2011). *Media and terrorism: global perspectives*. Sage Publication.
- Godefroidt, A., & Langer, A. (2020). How fear drives us apart: Explaining the relationship between terrorism and social trust. *Terrorism and political violence*, 32(7), (pp. 1482-1505).
- Hallahan, K. (2010). *Being public: Publicity as public relations*. In: Heath, RL (ed.) SAGE Handbook of Public Relations. Thousand Oaks, CA: Sage, (pp. 523–546).
- Hassan, K. (2018). Social Media, Media Freedom and Pakistan's War on Terror. *The Round Table*, 107(2), (pp. 189-202).

Heath, R. L., & Waymer, D. (2014). Terrorism: Social capital, social construction, and constructive society?. *Public Relations Inquiry*, 3(2), (pp. 227-244).

Helfstein, S. (2014). Social capital and terrorism. *Defence and Peace Economics*, 25(4), 363-380.

Hossain, M. S. (2018). Social media and terrorism: Threats and challenges to the modern era. *South Asian Survey*, 22(2), (pp. 136-155).

Ihlen O (2007) Building on Bourdieu: A sociological grasp of public relations. *Public Relations Review* 33: 269–274.

Kaskeleviciute, R., Knupfer, H., & Matthes, J. (2023). See something, say something? The role of online self-disclosure on fear of terror among young social media users. *new media & society*, 14614448221148982.

King, N. and Horrocks, C. (2010) *Interviews in qualitative research*. Sage, London.

Klausen, J. (2015). Tweeting the Jihad: Social media networks of Western foreign fighters in Syria and Iraq. *Studies in Conflict & Terrorism*, 38(1), (pp. 1-22).

Klausen, J. (2016). *The role of social networks in the evolution of Al Qaeda-inspired violent extremism in the United States, ۲۰۱۵-۱۹۹۰*. Brandeis University.

McCoy, S. J., McDonough, I. K., & Roychowdhury, P. (2020). The impact of terrorism on social capital: evidence from the 2015 Charlie Hebdo Paris shooting. *Oxford bulletin of economics and statistics*, 82(3), 526-548.

Portes, A. (1998). Social capital: its origins and applications in modern sociology. *Annual Review of Sociology*, 24(1):1-24.

Pyszczynski, T., Solomon, S., & Greenberg, J. (2003). *Terror management research: Prejudice and self-esteem striving*. In the wake of 9/11: The psychology of terror, (pp. 71-92).

Schmid, A. (2005). Terrorism as psychological warfare. *Democracy and Security*, 1(2), (pp. 137-146).

Semati, M., & Szpunar, P. M. (2018). ISIS beyond the spectacle: communication media, networked publics, terrorism. *Critical Studies in Media Communication*, 35(1), (pp. 1-8).

Shamaileh, A. (2017). *Trust and Terror: Social Capital and the Use of Terrorism as a Tool of Resistance*. Taylor & Francis.

Smith, C., Von der Borch, R., Isakhan, B., Sukendar, S., Sulistiyan-to, P., Ravenscroft, I., ... & De Leiuon, C. (2018). The manipulation of social, cultural and religious values in socially mediated terrorism. *Religions*, 9(5), (p. 168).

Smith, P. J. (2016). *Terrorism and Violence in Southeast Asia: Transnational Challenges to States and Regional Stability: Transnational Challenges to States and Regional Stability*. Routledge.

Turk, A. T. (1982). Social dynamics of terrorism. *The Annals of the American Academy of Political and Social Science*, 463(1), (pp. 119-128).

Turk, A. T. (2004). Sociology of terrorism. *Annu. Rev. Sociol.*, 30, (pp. 271-286).

Van Der Does, R., Kantorowicz, J., Kuipers, S., & Liem, M. (2021). Does terrorism dominate citizens' hearts or minds? The Relationship between Fear of Terrorism and Trust in Government. *Terrorism and political violence*, 33(6), (pp. 1276-1294).

